

اول مه: روز جهانی کارگر را تبریک میگوییم!

(پیام رحمان حسین زاده رئیس دفتر سیاسی حزب حکمتیست به

مناسبت اول مه)

صفحه ۳

ملزومات پیشروی آلترناتیو کارگری در ایران

سخنرانی در سمینار اول مه در استکهلم

صفحه ۴

سیاوش دانشور

بساط سرکوب را از مدرسه جمع کنید

مدرسه پادگان نیست!

صفحه ۶

ملکه عزتی

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

به سوی اول مه، علیه نظم سرمایه، زنده باد انقلاب کارگری

صفحه ۹

بورژوازی در عزای پاپ فرانسیس

صفحه ۱۰

سیاوش دانشور

لزوم همبستگی معلمان با طبقه کارگر در روز جهانی کارگر!

صفحه ۱۲

فاطمه عسکری

در صفحات دیگر

— لزوم اعلام حضور دانشجویان در روز جهانی کارگر! امیر عسکری

— اول مه: کارگران و نسل کشی در غزه و فلسطین رحمان حسین زاده

— آموزش پادگانی نمیخواهیم، رویای ممنوعه سرکوبگران ورشکسته • سیاوش دانشور

— اعلامیه حزب حکمتیست - با گسترش اعتراضات موج اعدامها را متوقف کنیم

۷۹۹

همبستگی
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ - ۲۵ آوریل ۲۰۲۵

جمهوری اسلامی، جنگ،

مذاکره و توافق، و موضع

مردم

جمهوری اسلامی در بدترین شرایط حیاط خود قرار دارد. اوضاع بطور کلی، هم در رابطه با موقعیت داخلی و اقتصادی و هم منطقه ای و جهانی برای رژیم سرمایه داری اسلامی طوری رقم خورده که چاره ای جز کرنش و سازش با غرب و در راس آن دولت آمریکا ندارد.

خامنه ای در راس نظام جمهوری اسلامی قبل از آغاز مذاکره گفت که "مذاکره با آمریکا هوشمندانه، عاقلانه و شرافتمندانه نیست. بعد از دوران مذاکره در مسقط، اینبار گفت که "گام اول خوب بود اما از بدبینی و خوشبینی افراطی پرهیز کنیم. و خامنه ای در پیامی به دولت چین گفته که "مذاکره فقط برای کاهش تنش با امریکاست نه تغییر نگاه جمهوری اسلامی به شرق،"

نگاهی به سخنان خامنه ای و روند مذاکرات جاری که شنبه آینده برای سومین بار انجام می شود، تهدیدات و شاخ و شانه کشیدن هر دو طرف علیه همدیگر، و بیشتر دولت ترامپ علیه جمهوری اسلامی، چاشنی مذاکره و بازی دیپلماسی برای پایان تنش و توافق است. چیزی که جمهوری اسلامی بیشتر از دولت امریکا و بیشتر از هر زمانی به آن نیاز دارد. فقط برای ادامه بقا و حفظ موجودیت رژیمی که از هر نظر چه داخلی و چه

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



معامله بر سر جنگ در اکراین خواهان پایان تنش و توافق، نه جنگ هستند. چین به دلایل اقتصادی و به علاوه استفاده وفور از منابع نفتی ایران خواهان آرامش نه جنگ، در منطقه است. هدف سفر و زیر امور خارجه ایران به مسکو و پکن در طول دو دور مذاکره ایران و آمریکا، اطمینان از رهبران این دو کشور و جلب حمایت از مذاکره و توافق با آمریکا بود. هدف از سفر وزیر دفاع عربستان سعودی به ایران در همین اثنای، جلب خامنه ای به مذاکره و توافق بود، نه چیز دیگری.

مردم و جمهوری اسلامی

دولت سرمایه داری و اسلامی ایران با ایجاد بحران های داخلی و تنش در منطقه مردم را گرفتار فقر و نداری و ناامنی کرده و با اعتراض مردم، کارگران، تهیدستان، زنان و دانشجویان به وضع موجود نهایت وحشیگری را بکار می گیرند. جمهوری اسلامی با جنگ و بدون جنگ، حتی در صورت صلح، برای اکثر مردمی که نه امنیت اقتصادی، نه امنیت سیاسی و نه آسایش و رفاهی دارند نگرانی بیش نیست و در هر حالت ماندنش برای اکثریت مردمی که از آن منزجر و بیزارند، جز ادامه فقر و فلاکت و اختناق و سرکوبگری، بیش از این چیزی نسبب مردم نمی شود.

همچنانکه در سطور بالا اشاره شد مسئله اصلی امروز رژیم جمهوری اسلامی، مسئله بقا به هر قیمتی با سرکوب و خشونت در داخل علیه مردم معترض، و کرنش و سازش در مقابل غرب است. در صورت توافق و کاهش تنش و رفع تحریم ها ممکن است در بازار بورس و قیمت دلار تاثیرگذار باشد، اما در شرایط اقتصادی بشدت بحرانی، تورم و گرانی افسار گسیخته در زندگی مردم کارگر و زحمتکش جامعه کم تاثیر یا بی تاثیر و اکثریت مردم همواره با این دشواری ها روبرو خواهند بود.

جنگ و تنش میان دولت های سرمایه داری بر سر منفعت دولت ها است و بی ربط به منفعت مردم است. در نتیجه تحریم اقتصادی و جنگ مردمند که از آن ضرر و زیان می بینند. کشته و آواره و بی بی خانمان می شوند.

وجود جمهوری اسلامی با سیاست های به غایت غیر انسانی مضر به حال بشریت است. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی توسط مردمی که هیچ نفعی در بقای آن ندارند در راس این مبارزه، حضور نقش آفرین طبقه کارگر برای پایان دادن به وضع موجود، برای آزادی، رفاه و یک زندگی انسانی فارغ از ظلم و ستم و نابرابری تنها راه خروجی از این وضعیت هست. سوسیالیسم تنها راه خلاصی بشریت از منجلا بی است که سرمایه داری و دولت های حامی آن برای اکثریت کارگر و زحمتکش در سراسر جهان بوجود آورده اند.

سعید یگانه

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

جمهوری اسلامی، جنگ، مذاکره و توافق،

و موضع مردم

در سطح بین المللی ویران و به هم ریخته است. روشن است که ما با جنگ و تحریم اقتصادی دولت های سرمایه داری مخالفیم. مخالفت از این جهت که اصولا ضرر و زیان آن متوجه مردم کارگر و زحمتکش و تلفات انسانی آن رانیز همین مردم متقبل می شوند. جنگ در اکراین، نسل کشی مردم فلسطین در غزه و آغاز جنگ علیه ایران چنین عواقب زیانباری برای مردم خواهد داشت و مهمتر اینکه جامعه ایران یک تحول انقلابی برای سرنگونی را از سر می گذراند. اکثریت مردم کارگر و زحمتکش، زنان و جوانان رژیم اسلامی را نمی خواهند و خواهان سرنگونی آنند. آغاز جنگ با ایران ضمن ویرانی و تلفات انسانی تمام این روند انقلابی و تلاش و زحمات و هزینه دادن مردم برای خلاصی از این نکبت اسلامی را حاشیه ای و دست رژیم جنایتکار اسلامی را برای سرکوب و قلع و قمع مردم معترض و ناراضی را موجب می شود.

تنها سلطنت طلبان و جریانات راست و بورژوازی هستند که از جنگ علیه ایران نفع می برند و خواهان حمله اسرائیل به ایران هستند. حالا که دولت ترامپ قصد دارند با دولت بورژوازی و سرکوبگر ایران به مصالحه برسند، اخمشان در هم ریخته و به مذاکره به جمهوری اسلامی معترضند.

جمهوری اسلامی به دلایل مختلفی از جمله و بخصوص نارضایتی و نفرت عمومی مردم، وضع ویران اقتصادی و ضرباتی که در نتیجه تحولات منطقه، جنگ در غزه، تضعیف نیروهای نیابتی و فرار از سوریه بعد از سقوط دیکتاتوری اسد، نه خواهان جنگ، بلکه خواهان مصالحه و همچنانکه در سطور بالا اشاره شد، فقط برای حفظ بقا و ماندن در قدرت است. جمهوری اسلامی علی رغم پروپاگاندا و تهدید، حاضر به کرنش و سازش با غرب است، اما خطر جدی را از جانب مردم می بیند و به این دلیل در مقابل مردم و از دشمنی قهری آنان کوتاه نمی آید.

دستگیری های وسیع، زندان و شکنجه و اعدام های روزانه و گسترش اختناق و سرکوب در جامعه ایران، همزمان مذاکره و مصالحه با آمریکا، حاصل سیاست های شکست خورده جمهوری اسلامی در عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی در مقابله به مردم و روند انقلابی جاری در جامعه ایران است.

نگاه جامعه به این تحولات

روشن است که مردم مخالف جنگ و لی خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند. نه جمهوری اسلامی با جنگ سرنگون می شود و نه دولت آمریکا خواهان جنگ و یا سرنگونی جمهوری اسلامی است. اگر جنگی هم در صورت عدم توافق به وقوع بپیوندد، که احتمال آن بسیار کم است، کنترل شده، موضعی و هدف و از آن تحمیل نیات خود به جمهوری اسلامی است. هدف در هر دو حالت رام کردن جمهوری اسلامی است، نه سرنگونی! جنگ اسرائیل علیه ایران بدون توافق دولت آمریکا، نه ممکن و نه عملی و جمهوری اسلامی در این رابطه میدان بازی، برای بهره جویی و گرفتن امتیازات بیشتر در معامله اتمی بر خوردار است. علاوه بر این نه چین و نه حتی روسیه با آغاز

مرگ بر جمهوری اسلامی!



و امسال هم تعرض وسیع به معیشت طبقه ما با تعیین حداقل دستمزد چند بار زیر خط فقر رقم خورد. دستمزدهای معوقه، بیکاری وسیع و عدم وجود بیمه بیکاری مکی برای بخش وسیعتر طبقه کارگر، ممنوعیت اعتصاب و تشکل و قراردادهای موقت سفید امضاء، سرکوب سیاسی و اجتماعی و راهی زندان شدن رهبران و فعالین کارگری و مبارزات اجتماعی گوشه‌هایی از شرایط ناهموار طبقه کارگر است.

کارگران!

پایان دادن به این وضعیت در جهان و در ایران هم به حضور آگاهانه و سازمانیافته جنبش سوسیالیستی کارگری، به سازماندهی انقلاب کارگری برای درهم کوبیدن نظم وارونه کاپیتالیستی گره خورده است. راه سومی نیست. با بن بست و سترونی چپ بورژوا رفرمیست هیچ آلترناتیو بینایی برای تعدیل و بهبودی در کارکرد سرمایه وجود ندارد. آلترناتیو سوسیالیسم کارگری با تکیه بر ظرفیتهای تواناییهای فی الحال موجود طبقه کارگر و مزدگیران منتفر از نظم سرمایه و در عین حال با فائق آمدن بر دشواریها و موانع و محدودیتهای موجود در جنبش کارگری از جمله پرکردن خلأ رهبری کمونیستی و سازمانیابی قدرتمند کارگری در رأس تحولات سیاسی و خیزشهای اعتراضی و اعتصابات کارگری در کشورهای مختلف، میتواند ورق را برگرداند.

مبارزات طبقه کارگر ایران و پیشروی جنبش سوسیالیستی در جامعه ایران نقش تحول بخش مهمی را در جدال قطب کارگر و کمونیسم علیه سرمایه داری نه تنها در خود ایران بلکه در سطح خاورمیانه و جهان ایفا میکند. جامعه ایران آستان تحولات سرنوشت ساز است. جمهوری اسلامی با بحرانیهای مرکب و بن بستیهای بی پاسخ روبرو است. در یک دهه اخیر فوران خشم مردم تشنه آزادی علیه فقر، گرانی و فساد گسترده در خیزش سراسری دیماه ۹۶ و عروج مجدد جنبش عظیم سرنگونی در آبانماه ۹۸، در خیزش انقلابی چندین ماهه سال ۱۴۰۱ بعد از قتل جنایتکارانه ژنرال امینی و در اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای خود را نشان داده است. پتانسیل این جنبشها با قصد سرنگونی جمهوری اسلامی موجب تغییر جدی توازن قوا به نفع ادامه مبارزه کارگران و مردم منتفر از جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری

صفحه ۴

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

اول مه: روز جهانی کارگر را تبریک میگوییم!

(پیام رحمان حسین زاده رئیس دفتر سیاسی حزب حکمتیست به مناسبت اول مه)

کارگران! آزادیخواهان!

در آستانه اول مه ۲۰۲۵ با جهان آشفته ای روبرو هستیم. سیطره جهانی کاپیتالیسم بیش از هر دوره ای، نه تنها طبقه ما بلکه کل بشریت را در همه سطوح زندگی در تنگنا قرار داده است. این پدیده تلخ قبل از هر چیز حاصل کارکرد شدیداً استثمارگرانه سرمایه داری است. سنوال اینست در اوج جهانی شدن سرمایه داری، در شرایطی که شاهد بزرگترین تحولات اقتصادی و عظیم ترین جهش های تکنولوژیکی و هوش مصنوعی هستیم و دنیا انباشته از ثروت حاصل کار طبقه کارگر است، چرا بقای فیزیکی و تأمین حداقل زندگی مشکل میلیاردها انسان کارکن از کشورهای فقر زده آفریقا و آسیا و آمریکای جنوبی تا قلب پایتخت های اروپای غربی و آمریکاست؟ چرا جهش بزرگ دستاوردهای بی نظیر انقلاب تکنولوژیکی و هوش مصنوعی به رفاه و سعادت برای طبقه کارگر و مزدگیران تبدیل نشده است؟ برعکس بر مقهوریت اقتصادی کارگر در برابر سرمایه افزوده است. چرا جنگ و تروریسم و مردم کشی در پنج قاره بیداد میکند؟ جنگ تخریب گرو ضد انسانی در اوکراین و سودان و کشورهای آفریقا و آسیا و تکان دهنده تر از بقیه فاجعه سر آغاز قرن یعنی تروریسم و درناکتر نسل کشی سابقه دار و طولانی مدت توسط فاشیسم حاکم در اسرائیل علیه مردم غزه و فلسطین ادامه دارد؟ آیا تردیدی هست که معماران این همه فجایع و جنگها و پاکسازیهای قومی، دولتها و قدرتهای کوچک و بزرگ سرمایه داری اند. این مسئله را اینروزها از میان سردمداران فریبکار و مرتجع سرمایه داری، رئیس جمهور کنونی آمریکا ترامپ فاشیست، به مثابه نماد امپریالیسم عربیان و کاپیتالیسم بی نقاب در چانه زنی بر سر "جنگ و معامله و سازش و صلح" بی پرده بیان میکند.

برای توجیه این فجایع انبوه، تحمیل بزرگترین عقبگردهای فکری و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی، از بالا گرفتن مجدد جهالت مذهبی، نژاد پرستی، کودک آزاری، زن ستیزی و مردسالاری و مهاجر ستیزی و ناسیونالیسم و راسیسم و فاشیسم لازم شده است. پاسخ این سنوالات از نظر طبقه کارگر و پیشروان آگاه و کمونیست این طبقه بیش از پیش روشن است. ما در دوره ای بسر میبریم که بربریت کاپیتالیستی را همین امروز در سراسر جهان با گوشت و پوست تجربه میکنیم. اول مه فرصتی جهانی برای به مصاف کشیدن این نظام سراپا جنایت و بربریت سرمایه داری است.

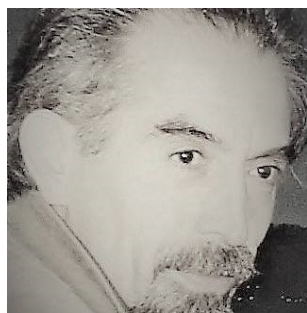
به شاهدهی گسترش اعتراضات اعتراضات کارگری و اجتماعی در کشورهای اروپایی و غرب، در آسیا و آفریقا و خاورمیانه، در اعتراضات کارگری همه کشورها و از جمله در ایران، توان و قدرت عینی مقابله با تعرض افسار گسیخته بورژوازی موجود است. تحرک اعتراضی موجود با همه محدودیتهای آن، این واقعیت ریشه دارا یادآور میشود، که "زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکانپذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است". در ایران طبقه کارگر با معضلات عدیده و با یک حکومت سراپا ضد کارگر و ضد انسان روبرو است. هر سال

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

ملزومات پیشروی آلترناتیو کارگری در

ایران

سخنرانی در سمینار اول مه در استکهلم



اول مه مهمترین روز بشریت آزادیخواه است و مقدماً اینروز را به شما و طبقه کارگر ایران و جهان تبریک میگویم. در این فرصت مختصراً نکاتی را در مورد عنوان برنامه اشاره میکنم؛

وقتی در مورد آلترناتیو کارگری صحبت میکنیم، قاعدتاً منظورمان راه حل اجتماعی و طبقاتی کارگر در مقیاس جامعه و نیروی در مقابل آلترناتیو طبقات دیگر و مشخصاً آلترناتیو بورژوازی است. این فراتر از مسائل جاری جنبش کارگری است. همینطور بحث آلترناتیو کارگری در ایران مربوط به دوره مشخصی است که جامعه در بحران و تلاش برای تغییر است. بدون وجود تناقضی اساسی در جامعه، بدون ضروری شدن امر تغییر، نه انقلاب در چشم انداز است و نه بحث آلترناتیو کارگری بحث روز. پس ما داریم مشخصاً در مورد شرایط کنکرتی حرف میزنیم و تلاش داریم به آن جواب دهیم.

آلترناتیو کارگری چه وقتی مطرح است؟ واضح است کمونیست‌ها و ما در حزب کمونیست کارگری- حکمتیست فلسفه وجودی‌مان اینست که با حضور هر روزه در کشمکش جاری و بیوقفه کارگر با سرمایه‌دار و در شکلی جامع‌تر با حضور در قلمروهای مبارزه طبقاتی، سیاست و انتقاد کارگری را تقویت کنیم، به شکل و وحدت طبقاتی و انترناسیونالیستی قوام دهیم، و مشخص‌تر در دوره‌های انقلابی کارگر و کمونیسم بمثابه یک طبقه و یک جنبش رهانیبخش بتوانند در تحولات نقش ایفا کنند و بر راه‌های طبقات حاکم پیروز شوند.

اما ما در زمین خالی و بدون رقیب بازی نمیکنیم. سرمایه یک سلطه جهانی دارد، بورژوازی تجارب انقلابهای کارگری و برآمدهای انقلابی را دارد و سیاستها و روشهای خود را برای مواجهه با تحرک انقلابی دارد. لذا در دوره انقلابی سیاست محوری کل طبقه بورژوازی - مستقل از اختلافات درون طبقاتی‌شان- اعاده است، اعاده وضع موجود. بازسازی نظم کهنه. تداوم سلطه طبقات حاکم و بقای استثمار و استبداد و نیازهای مترتب به آن.

آلترناتیو کارگری دقیقاً برعکس است؛ خلاف جریان است. نمیتواند به هیچ رکن جامعه کنونی تکیه کند، نه اقتصادش، نه سیاستش، نه فرهنگش، نه مناسبات اجتماعی و حقوقی‌اش، نه دولتش. آلترناتیو کارگری قرار است طرحی نو دراندازد، قرار است آن سازمان‌نویین اجتماعی را مستقر کند که مبنا و اساس نظم کنونی را ملغی کرده باشد. از جمله قدرت طبقات حاکم، الغای امتیازات سیاسی و قانونی آنها، الغای قدرت و سلطه اقتصادی آنها، نفی فرهنگ و اخلاقیات طبقه حاکم، روش حکومتی و قوانین منتج از آن. امحای مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و مناسبات بردگی مدرن مزدی و غیره.

ضرورت و مطلوبیت و مبرمیت راه حل کارگری

یک وجه مهم پیشروی آلترناتیو کارگری فائق آمدن بر میراث قرن‌ها قدرت بورژوازی و جامعه طبقاتی است. چون قدرت

اول مه: روز جهانی کارگر را تبریک میگویم!

(پیام رحمان حسین زاده رئیس دفتر سیاسی حزب

حکمتیست به مناسبت اول مه)

است. واقعیت مهم اینست، جنبش طبقه کارگر نیروی فعاله و سازنده تحولات مبارزاتی جامعه ایران است. بر این اساس در دوره سرنوشت ساز کنونی طبقه کارگر و کمونیسم جامعه ایران با رسالت مهمی روبرو است.

بر این اساس توقع ما اینست در اول مه امسال رهبران و پیشروان سوسیالیست جنبش کارگری ایران مثل همیشه آستین بالا زنند، با ابتکار موانع ایجاد شده از جانب رژیم را کنار بزنند، مبتکر اجتماعات بزرگ گرامیداشت اول مه باشند. این روز را به مناسبت جشن و شادی و تحکیم همبستگی درونی کارگران تبدیل کنند. در سخنرانیها و قطعنامه‌های اول مه بربریت کاپیتالیستی را به نقد بکشند. تعرض همه جانبه این نظم ضد انسانی را به همه ابعاد زندگی طبقه کارگر و مردم تحت ستم به مصاف بطلبند. نسل کشی مردم فلسطین توسط فاشیسم حاکم بر اسرائیل با همدستی هیئت حاکمه امپریالیستی آمریکا را بیش از پیش رسوا کنند. طبقه کارگر ایران را به حضور فعال در همبستگی بین المللی کارگری و ایجاد بیشترین اتحاد علیه جمهوری اسلامی و ترفندهای هیئت حاکمه فراخوانند. بر مبارزه محکم و سازمانیافته علیه "حداقل دستمزد" تعیین شده، علیه فقر و گرانی و علیه سیاست انتظار و جنایتکارانه "فشار حداکثری و فضای جنگی و یا مذاکره و معامله با آمریکا" تأکید کنند. خواسته‌های ضروری مثل افزایش دستمزدها، بیمه بیکاری مکفی، حق اعتصاب و تشکل، آزادی فوری زندانیان سیاسی و علیه اعدام را در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های اول مه بگنجانند. خطیر بودن تحولات سیاسی جاری را یادآور شوند. ضرورت بالا بردن آمادگی سیاسی و عملی طبقه کارگر را برای ایفای نقش هدایت گرو رهبری در تحولات جاری و آتی ایران را تأکید کنند.

زنده باد اول مه

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری

اردیبهشت ۱۴۰۴ - آوریل ۲۰۲۵



ملزومات پیشروی آلترناتیو کارگری در ایران

سخنرانی در سمینار اول مه در استکهلم

سیاوش دانشور

بورژوازی تنها در سلطه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود طبقه نیست، در جامعه هم هست، در افکار آدمها بصورت خودبخودی هم هست، در جانداختن اینکه واقعا میشود جامعه‌ای را بر اساس رفع نیازهای انسانها و دخالت از آدانه و مستمر آنها تشکیل داد هم هست. در ترس و نگرانی از قبول آن در دنیای پیرامون و قدرتهای سرمایه داری هم هست. ما باید به این موانع فائق بیاییم و بویژه تجارب جنبش طبقه‌مان را در سیاست و تاکتیک و تبلیغات و بسیج عمومی لحاظ کنیم.

لذا یک امر تعطیل ناپذیر ما برای پیشروی آلترناتیو کارگری اینست که مرتباً بر ضرورت و مطلوبیت و میرمیت راه حل کارگری با زبانی عامه فهم و مستدل و علمی تاکید کنیم.

جدال بر سر افق جامعه

یک وجه مهم دیگر ملزومات آلترناتیو کارگری جنگ بر سر افق جامعه است. بالاخره در دوره انقلابی و مجموعه قیامها و برآمدها برای تغییر، هنوز این سوال که جامعه خواهان تغییر با کدام پرچم و افق است، با کدام پرچم امر تغییر را پیش میبرد قطعی نیست. در هر تحول انقلابی، جنبشهای اجتماعی و افقهای متمایز طبقاتی باهم وارد انقلاب میشوند و هر کدام تلاش دارند مهر خود را بر روند تحولات بگویند. اینکه کدام افق دست بالا پیدا میکند، جامعه با پرچم کارگر و سوسیالیسم امر تغییر را عملی میکند یا با پرچم راست و سرمایه دارانه، تعیین کننده است. مواجهه بیوقفه ما با راه حلهای دست راستی از سر "سکترایسم" ما نیست از سر جنگ بر سر هژمونی افق سوسیالیستی در دوره انقلابی است.

قدرت اجتماعی لازمه پیشروی و پیروزی است

داشتن قدرت اجتماعی یک فاکتور مهم دیگر است. جامعه عموماً دنبال نیروی میرود که قدرت عمل دارد و به سوالات کنکرت روز پاسخ درست و معقولی میدهد. قدرتمند کردن توده انقلابی، قدرتمند کردن کارگر در سطوح مختلف، قدرتمند کردن توده انقلابی یک رکن مهم و الزامات پیشروی آلترناتیو انقلابی است. ما میتوانیم جریانی مثلاً تنوریک و خوش حرف با سخنان درست باشیم اما فاقد قدرت اجتماعی و جابجا کردن نیرو. این برد در دوره انقلابی نمیخورد. لااقل به جایی نمیرسد. رادیکالیسمی مهم است که توده ای شده باشد و در قلب و زبان اعتراض انقلابی پرچم شده باشد.

تامین رهبری و اعمال رهبری

تامین رهبری و اعمال رهبری در جدال پیچیده جاری یک رکن مهم دیگر پیشروی آلترناتیو کارگری است. جواب دادن سرفوت به هر سوال روز در دوره انقلابی از دایوهای پرش و قدرتگیری کمونیسم است. برعکس، تردید و تزلزل در اتخاذ مواضع و سیاست و قبول مسئولیت در قبال آن، یک شاخص اپورتونیسم است. یک رهبری انقلابی و کارگری و سوسیالیستی برعکس است، از موضع طبقه و منفعت انقلابی طرح سیاست میکند و تماماً مسئولیتش را میپذیرد. در دوره انقلابی، بیش از هر دوره، مبارزه طبقاتی حاد و قطبی میشود، سیاستهای خاکستری و میان دو صندلی نشستن رنگ میبازد، لذا برای پرولتاریا و کمونیسم سیاست رادیکال سوسیالیستی که حرفی زمینی و معقول و قاطع و توده گیر است بسیار حیاتی میشود.

رهبری در دوره انقلابی یعنی ترجمان تئوری و برنامه به خط مشی تاکتیکی، و خط مشی تاکتیکی یعنی اصول و موازینی در خدمت تسهیل مبارزه طبقاتی و قدرتمند کردن طبقه انقلابی و نزدیک شدن به پیروزی استراتژی کارگری. رهبری سطوح مختلفی دارد. رهبری در قلمرو سراسری و محلی، حزبی و غیر حزبی. اما هر رهبری حزبی باید اساساً اجتماعی باشد و منفعت جنبش انقلابی طبقه و اردوی رادیکال و زحمتکشانی را تامین کند که فی الحال درگیر نبرد برای پیشروی و پیروزی اند.

تامین این رهبری بطور ایجابی و اثباتی یعنی منزوی کردن راست در مقیاس جامعه. دستکم یعنی تبدیل شدن به نیرویی غیر قابل حذف. بدون این مهم، جنبش انقلابی بدون رهبری، علیرغم هر فداکاری فردی و جمعی به ناکجا آباد میرود.

سازمانگری و سازماندهی

یک جریان و یک جنبش که خود را آلترناتیو معرفی میکند علی القاعده جریان و جنبشی سازمانده در همین مقیاس است. یعنی در مقیاس جامعه. اشکال سازماندهی در دوره انقلابی متنوع اند. میشود تصور کرد با ائتلافها و جبهه‌های مختلفی از طبقات متخاصم روبرو باشیم. در جنبش کارگری نیز سطوح مختلفی از سازماندهی در ایندوره مطرح اند. شوراها بعنوان مثال بمثابه یک قدرت توده ای و کارگری. احزاب سیاسی و کمونیستی و سازماندهی حزبی. سیاست کنترل کارگری بمثابه یک تاکتیک در دوره انتقالی. بریگادهای کارگری بمثابه سازمانهای دفاع از خود کارگری. ارگانهای انقلابی در محلات و شهرها برای دفاع از خود و دفع مقاومت ارتجاع و بقایای حکومتی و بعنوان پایه های میلیس توده‌ای.

سازمان بمثابه قدرت دوفاکتو

سازمان در دوره انقلابی بمثابه ارگان کنترل و قدرت دوفاکتو عمل میکند. کارگر برای پیروزی یک شبه و از طریق انتخابات به دولت نمیرسد بلکه طی دوره انقلابی بطور عینی ناچار است هر عقب نشینی بورژوازی و خلأ قدرت را با قدرت آلترناتیو خود پر کند. و این بدون سازمان آماده این کار و روحیه بدون تردید عملی نیست. شکل دادن به قدرت دوفاکتو مقدمه یکپارچه کردن قدرت و پیروزی قیام کارگری است.

مسائل ویژه دوره انقلابی

بسیاری از ملزومات پیشروی آلترناتیو کارگری در دوره انقلابی تابعی از وضعیت ویژه و تناسب قوا و مسائل جدید مطرح در این دوره است. مثلاً اگر بخشهایی از جمهوری اسلامی مضمحل شده یا نیروهای ناسیونالیست و اسلامی با حمایت دولتها تلاش داشتند با ایجاد تفرقه و راه انداختن جنگ قومی و مذهبی مسیر انقلابی را منحرف کنند، پرولتاریا و کمونیسم باید آمادگی کافی نظامی و سیاسی با رهبری قاطع داشته باشد که براین اوضاع فائق آید و از زندگی مردم و جامعه و روند انقلابی دفاع کند.

یا اعمال فشار دولتها برای ترساندن مردم از دولت کارگری و راه حل سوسیالیستی را باید به روشهایی معقول منتفی کرد. بورژوازی در سطح کشوری و منطقه ای و جهانی ابدأ مایل نیست کارگران پرچم پیروزی شان را جانی برافزارند. باید از پیش آمادگی فکری و سیاسی برای مواجهه داشت. یا با اعمال فشار و تحریم و ایجاد پانیک در جامعه تلاش میکنند مردم را از راه حل کارگری دور کنند. ما موظفیم بمثابه پراتیسین کمونیست سیاست و تاکتیک و راه حلهای روشن و عملی بلافصل و درازمدت در هر قلمرو داشته باشیم که تبلیغات بورژوازی را خنثی و پیشروی و پیروزی کارگر را تضمین کند.

ملزومات پیشروی آلترناتیو کارگری در ایران

سخنرانی در سمینار اول مه در استکهلم

سیاوش دانشور

در یک کلام:

آلترناتیو کارگری و پیشرویش در گرو اینست که اولاً کارگر بمثابه طبقه با احزاب سیاسی اش خود را در قامت آلترناتیو و کابینه کارگری ببینند و از هم اکنون به این عنوان کار و تبلیغات کنند و ثانیاً آلترناتیو کارگری را بمثابه راه حلی معقول و ضروری به افق جامعه تبدیل کنند و ثالثاً اقدامات لازم اعم از رهبری و سازماندهی و مجموعه تاکتیک های مناسب این روند را برای قدرتمند کردن روزمره آلترناتیو کارگری در دستور بگذارند.

متشکرم.

۱۹ آوریل ۲۰۲۵

کارگران جهان متحد شوید!

در اول مه نه شاهی تاجگذاری کرده است، نه مذهبی آمده است، و نه "ملتی" درست شده است! اول مه روز یک طبقه جهانی، روز یک جنبش بین المللی کارگری است که برای تغییر ریشه ای جهان، برای انقلاب کمونیستی مبارزه میکند!

اول مه روز صاحبان واقعی جهان است! روز بشریتی است که جهان بدون کار او نمیتواند سرپا بماند! روزی است که اسباب تانکوس های این جنبش، رهبران کمونیست و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند: برای رهایی جامعه راهی جز انقلاب کارگری، انقلاب بردگان مزدی، علیه سیستم بردگی مزدی وجود ندارد!

زنده باد اول مه!

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آوریل ۲۰۲۵

www.hkmetalist.org

بساط سرکوب را از مدرسه جمع کنید

مدرسه پادگان نیست!

ملکه عزتی



اخیراً "تفاهم نامه ای" مابین جواد حسینی وزیر آموزش و پرورش رژیم و نیروی انتظامی موسوم به فراجا به سرکردگی رادان جنایتکار امضا شده که حضور نیروی انتظامی در مدارس را تامین میکند.

البته این اولین بار نیست که در جمهوری اسلامی حقوق و امنیت

و آسایش کودکان مورد تجاوز و تضییق قرار میگیرد. در جنگ ارتجاعی ایران و عراق با جثه نحیف کودکان میدان های مین را خنثی کردند، آنها را به گوشت دم توپ در میدان جنگ تبدیل کردند و روزانه از بلندگوهای مساجد آوای شوم دعوت به جبهه و داوطلب گشته شدن سر دادند و نسلی از نوجوانان را قربانی جنگی کردند که در آن کوچکترین منفعتی نداشتند. در این رژیم سرپا جنایت هیچ انسانی از آرامش بهره نبرده و از گزند اینها در امان نبوده. هر جا که سایه منحوسشان پیدا شده مرگ و نیستی به ارمغان آوردند.

همکاری معلمان، خانواده ها و دانش آموزان با نیروی انتظامی با تاریچه ننگینی که در ۱۴۰۱ خلق کرد، بیشتر به یک شوخی بیمزه شبیه است تا تفاهم نامه حفظ امنیت در مدارس!

باید از خود پرسید نیروی انتظامی که دختران نوجوان را از پشت بام ها پایین انداخت تا قتلشان خودکشی قلمداد شود، به چشم معترضین شلیک کرد و باعث کوری تعداد بسیار زیادی از شرکت کنندگان در اعتراضات شد چه نوع امنیتی را در مدارس برقرار میکند؟ جمهوری اسلامی و ارگانه های سرکوبش اگر خیلی دغدغه امنیت دارند نگاهی به زندگی و شرایط کودکان بی سرپرست و آواره در خیابانها، شرایط کودکان کار و کودکانی که مجبور به تامین معاش خانواده هستند، ببندازند. لکه های ننگ بر دامن این حکومت آنچنان گسترده و فراوان است که در حوصله یک نوشته نیست.

نیروی انتظامی تحت فرماندهی قالیباف دانشگاه را به خون کشید، برای زنان بی حجاب در حین رانندگی حکم توقیف ماشین و جریمه نقدی تعیین میکند، این نیروی متجاوز که فاقد هر نوع نگاه انسانی به اطراف و محیط خویش است میخواهد در نقش "معلم یار" برای پیشگیری از آسیب های اجتماعی، ایجاد نظم و انضباط و آموزش قانون مداری در مدارس حضور یابد! شرمتان باد.

کودکان و نوجوانانی که هم اینک در محیطهای آموزشی توسط تعدادی از معلمان مورد خشونت و تنبیه بدنی قرار میگیرند حالا از قرارباید از نیروی فراجا قانون مداری بیاموزند. کمترین ضرر این طرح اخلاص در آموزش و یادگیری، ایجاد تشنج و تنش در میان دانش آموزان، ایجاد اخلاص و ناهماهنگی در روابط معلم و دانش آموز و ناامن کردن محیط آموزش است. این نظم و انضباط پلیسی- امنیتی و قانون مداری پادگانی را که محصول وزارت آموزش و پرورش و فراجا است را باید در زباله دانی انداخت تا بوی تعفنش مشام کودکان را آزار ندهد.

صفحه ۷

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



را رفتار قانون مدار بنامند. واقعیت این است هیچکدام از این نهادهای ترور و وحشت نمیتوانند آن روزهای خونین دهه شصت که کودکان و نوجوانان را با اجبار و ترس از اخراج به نمازخانه های مدرسه میکشاندند را زنده کنند. پروژه استفاده از گاز شیمیایی هم نتوانست بدادشان برسد حالا به مغزهای معیوبشان مراجعه کردند و به پروژه استقرار نیروی انتظامی در مدارس رسیدند.

سران رژیم آلمان نازی هم با چنین طرحهایی به جنگ مخالفین خود رفتند، سازمان جوانان اس اس را برای "امنیت داخلی" ایجاد کردند و نهایتا به گورستان تاریخ فرستاده شدند.

کل مفاد این تفاهم نامه که شامل بیش از ده بند و چندین ده ماده است مبتنی بر یک اصل اولیه نوشته شده، کنترل همه جانبه و روزانه دانش آموزان در محیط مدرسه، کنترل بر فعالیتهای فرهنگی دانش آموزان در فضای مجازی و حقیقی، تحت فشار قرار دادن خانواده ها و معلمینی که حاضر به پذیرش این درجه از محدودیت بر کودکان و نوجوانان نیستند و نمیخواهند در سرکوب و ایجاد ناامنی در محیط مدرسه همکار و همدست رادان و وزیر آموزش و پرورش باشند.

یکی از بندهای این تفاهم نامه جلب مشارکت کارکنان اداری و آموزشی، دانش آموزان و اولیا نام دارد. به زبان ساده وعامه فهم این پرورش جاسوس، ایجاد فضای بی اعتمادی، تشدید عدم امنیت و ایجاد سد و مانع در روند آموزش و سلامت روانی یک نسل از انسانهایی که بنا به تعریف باید در آینده آن جامعه نقش ایفا کنند. کل این پروسه فاجعه بار چیزی نیست جز کنترل بر دانش آموزان، معلمین و خانواده هایی که منبهد باید در فضای پلیسی منتظر تذکر، توبیخ و یا حتی جلب و بازداشت فرزندانشان بدلیل رفتار خارج از نرم مورد نظر پلیس جمهوری اسلامی باشند.

این طرح بدون تردید باید با اعتراض معلمین، خانواده ها و دانش آموزان در مدارس روبرو شود. مدرسه و مراکز آموزشی پادگان نیست، قوانین خشن و منسوخ پادگانی جایی در مدارس و در روند آموزش کودکان و نوجوانان ندارد. پلیس و نیروی انتظامی جز اعمال خشونت و ایجاد استرس هیچ مهارت حرفه ای دیگری برای کار و انجام وظیفه در مدارس ندارند. نیرویی که قانونا و رسما برای سرکوب تربیت و تعریف شدند نمیتواند عامل هیچ تغییر مثبتی در هیچ محیطی باشند.

بقیه بندهایی که در این تفاهم نامه مطرح شده از جمله جلوگیری از پخش و فروش مواد مخدر ادعای بیشرمانه ای بیش نیست، درصد بالایی از این مامورین خود عامل فروش و پخش مواد مخدر هستند. قاچاق فروشان مواد مخدر در سایه حفاظت این نیرو به این تجارت مرگبار ادامه می دهند. سپاه پاسداران در کارتل های عمده مواد مخدر فعالیت

بساط سرکوب را از مدرسه جمع کنید

مدرسه پادگان نیست!

ملکه عزتی

باید از خود پرسید حضور این نیروی حافظ امنیت برای دختران دانش آموزی که در ۱۴۰۱ عکس خمینی و خامنه ای را همراه با حجاب به آتش کشیدند و نیروی انتظامی را هو کرده و از حیاط مدرسه بیرون انداختند چه معنی خواهد داشت؟ با این نسل بیزار از حجاب، بیزار از اپارتاید جنسی و بیزار از تحقیر و بی حقوقی چگونه رفتار میشود؟ تنها ارمغان این نیروی امنیتی و انتظامی برای این نسل معترض گاز شیمیایی و اخلاص در امنیت روانی و سلامتی دختران نوجوان و معترض بو. اگر اعتراض و ایستادگی خانواده ها نبود جانهای زیادی قربانی این "طرح ایجاد و حفظ امنیت" میشدند.

در جوامعی که کودکان از حق و حقوق نسبی برخوردارند بطور معمول و نرمال یاد میگیرند مستقل باشند، ابراز نظر کنند و امکان اظهار نظر در تصمیماتی را که به آنها مربوط است در سطح معین و بنا به میزان رشد و یادگیری برایشان فراهم است. قانون موظف است تمایل و خواست کودک را در نظر بگیرد، درمقابل در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی وزیر سابق سپاهی و بی کفایت آموزش و پرورش که خود را وکیل و وصی کودکان میدانند تفاهم نامه امضا میکند تا نیروی انتظامی بتواند امنیت روانی کودکان را بدون هیچ مرز و محدوده ای مورد تجاوز قرار دهد و با چاپلوسی مختص به این قشر به رادان جانی میگوید ما همه سرباز شماییم و در خدمت شما حاضر به هر نوع همکاری هستیم!

این جانوران ضد انسان همه مرزهای رذالت، سخاقت و از خودبیگانگی را شکسته اند. شما کی هستید که مدرسه را به پادگان تبدیل میکنید؟ شما با چه جراتی برای نسل آینده این جامعه تصمیم میگیرید. میخواهید این نسل سرکش و آگاه و آشنا با تکنولوژی پیشرفته، قانون مداری را از گزمه های متجاوز رادان فرا بگیرد و بیاموزد؟

کدام قانون را باید مراعات کند، قانونی که در سایه آن در طی ۲۲ روز زن بقتل میرسند و نیروی انتظامی وظیفه لاپوشانی و موجه جلوه دادن این جنایات را بعهده دارد. قانونی که در خیابان دار اعدام برپا میکرد و بر گردن انسانها آفتابه آویزان میکرد؟ این قانون و مجریانش مرزهای قساوت را یکبار دیگر تعریف و معنا کردند. این نیروی انتظامی هم که امروز در قالب منجی امنیت، معلم یارو قانون مدار ظاهر شده همان نیروی جنایتکار دهه ۷۰ است که در اعتراضات دانشجویی با فرماندهی سردار قالیباف آن روزها و دکنتر قالیباف این روزها اعلام کرد هردانشجویی که به کوی دانشگاه بیاید را لوله میکنیم، هستند!

بدون شک یکی از مصادیق این قانون مداری مورد ادعای دو ارگان جنایت و سرکوب مسئله حجاب دختران است. در خیابان و در سطح جامعه نتوانستند با زنانی که قانون حجاب را به اشغالدانی انداختند در بیفتند، لایحه عفاف و حجاب در راهروهای مجلس و دولت سرگردان است حالا درصدد هستند که در مدارس دختران نوجوان را با حضور نیروی انتظامی دچار وحشت و ناامنی کنند و تحمیل حجاب



بساط سرکوب را از مدرسه جمع کنید

مدرسه پادگان نیست!

ملکه عزتی

اقتصادی دارد. نمیتوان و نباید در مقابل این طرح سرکوبگرانه ساکت و بی تفاوت بود. جمهوری اسلامی در موقعیتی نیست که بخواهد چنین طرحی را اجرایی کند و حمله به حریم کودکان در مدارس و کلاس درس را بنام حفظ امنیت موجه جلوه دهد. سران جانی جمهوری اسلامی برای جلوگیری از سرنگونی به کرنش و سازش با غرب روی آورده اند، در همه زمینه های اجتماعی و اقتصادی درمانده و مضحمل شدند. همزمان وجود فقر گسترده و گرانی بی امان زندگی میلیونها انسان را بخطر انداخته، مسئولین و کاربدستان حکومت قادر به تامین حتی آب و برق مورد نیاز مردم نیستند. در این اوضاع و شرایط بسیار بحرانی در جامعه، وزیردولت پزشکيان با همکاری رادان مراکز آموزشی را هدف گرفتند تا شاید بتوانند سدی در مقابل نسل جوان ایجاد کنند و در سایه این فضای امنیتی جامعه را دچار رعب و وحشت کنند.

اما کور خواندند، نه نسل جوان امروز و نه اکثریت عظیم جامعه در مقابل این طرح و تفاهم نامه پلیسی- امنیتی تسلیم نمیشوند. اینهم ترفندی شبیه بقیه طرح و توطئه هایشان است که در مقابل اراده جامعه شکست خورده. واقعیت این است جمهوری اسلامی در طی این سالها نتوانسته هیچ طرحی را بدون استفاده از نیروی فشار و سرکوب پیش ببرد. جواب کارگران آفاده شلاق بود، جواب اعتراضات دانشجویی لوله کردن و پرتاب از پنجره به بیرون بود جواب معلمان معترض زندان و

انفرادی و جواب زنان آگاه به حقوق خود جریمه و احضاریه برای اجرای حکم شلاق بود. بدون استفاده از این حربه ها، نه جمهوری اسلامی سرپا بود نه طناب دار برقرار. این طرح هم با دخالت و اعتراض معلمان شریف و خانواده های معترض به موجودیت جمهوری اسلامی دچار سرنوشت طرح عفاف و حجاب خواهد شد.

در این طرح هم همچون پروژه پخش گازهای شیمیایی در مدارس مجبور میشوید پا پس بکشید و از میدان بدر خواهید شد. قدرت پوشالی مبتنی بر ایجاد ارعاب و وحشت دیگر کارایی گذشته را برای شما ندارد. بیهوده زیر تفاهم نامه هایتان امضا میزنید، روزیکه مردم خیابانها را دوباره به تصرف در آورند، تنها سرباز بازمانده و وفادار رادان ها همین وزیر سرکوبگر آموزش و پرورش امروز است و بس. تفاهم نامه هایتان را هم مردم معترض و منزجر از شما به آتش خواهند کشید.

24 آوریل 2025

علیه فاشیسم، علیه ریاضت اقتصادی!

سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!

اول مه روز تاکید بر هویت طبقاتی - انترناسیونالیستی طبقه کارگر است. در اول مه بر اتحاد جهانی کارگران علیه سرمایه داری، علیه ناسیونالیسم و فاشیسم، علیه سیاستهای جنگ طلبانه، علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی متحدانه اعتراض کنیم!

در اول مه اعلام کنیم؛ سرمایه داری مسبب و بانی کلیه مشقات انسان امروز است، انقلاب کارگری و سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۰۲۵ آوریل

www.hkmatist.org

علیه فقر و گرانی

برای دستمزد مکفی و رفاه همگانی!

دهها میلیون نفر با فقر و فلاکت دست و پنجه نرم می کنند. کارگران از شاغل و بیکار و بازنشسته مخالف مصوبه دستمزد نهاد کارفرمایی "شورای عالی کار" هستند. سیاست جمهوری اسلامی ارزان سازی مستمر ارزش نیروی کار و تشدید فقر و فلاکت است. سیاست طبقه کارگر نفی نظام مبتنی بر فقر و استثمار فرد از فرد است.

در اول مه پرچم دستمزد مکفی و جوابگوی تامین نیازهای زندگی با استانداردهای امروز و رفاه همگانی را برافرازیم. در اول مه اعلام کنیم آنچه که بورژوازی و طبقه سرمایه دار نمی پذیرد و ممکن نمی داند، دولت انقلابی کارگران به بهترین شکل تامین و تضمین می کند.

نه به بردگی مدرن سرمایه داری!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۰۲۵ آوریل

www.hkmatist.org

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

به سوی اول مه، علیه نظم سرمایه، زنده باد

انقلاب کارگری

به اول مه، نماد اتحاد جهانی طبقه کارگر و برافراشتن پرچم "کارگران جهان متحد شوید"، نزدیک می‌شویم. اول مه، روز شاخص اعتراض جهانی طبقه کارگر علیه نظم وارونه سرمایه و مناسبت گرانمایه‌های طرح کیفرخواست طبقه کارگر علیه بردگی مزدی است. در این روز، از نگاه میلیاردها انسان در اقصی‌نقاط جهان، تفاوت و تقابل پایه‌ای دو طبقه و دو جنبش متمایز عرض اندام می‌کند. در روز جهانی کارگر در بسیاری از کشورها و شهرها، شاهد مارش‌ها و میتینگ‌های کارگران و انسان‌های معترض به استثمار و ستم سرمایه‌داری هستیم.

طبقه کارگر جهانی و همه مزدبگیران و آزادیخواهان به نظمی معترض‌اند که در اوج جهانی شدن سرمایه‌داری، در شرایطی که شاهد بزرگترین تحولات اقتصادی و جهش‌های تکنولوژیک، انفورماتیکی و دستیابی به هوش مصنوعی هستیم و دنیا از ثروت حاصل کار طبقه کارگر اشباع شده، اما مسأله بقاء فیزیکی برای میلیاردها انسان کارکن و فاقد مالکیت از کشورهای فقیر آفریقا و آسیا و آمریکای جنوبی تا قلب پایتخت‌های اروپای غربی و آمریکا، به یک بحران بدل شده است.

جنگ، تروریسم، و کشتار انسانها در پنج قاره بیداد می‌کند. عقب‌گردهای عظیم فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از جمله بازگشت جهالت مذهبی، مردسالاری، نژادپرستی، کودک‌آزاری، زن‌ستیزی، مهاجرت‌ستیزی و فاشیسم، و سقوط حقوق و شأن انسان به دست بی‌رحم سرمایه‌داری و بازار آزاد، زندگی میلیون‌ها کودک، پیر و جوان را تهدید می‌کند. جنایت سازمان‌یافته در بسیاری از کشورها به واقعیتی روزمره در حیات سیاسی و اقتصادی بدل شده است. سرمایه‌داری و اصل اصالت سود، محیط زیست را با لطمات جبران‌ناپذیری روبرو ساخته است.

طبقه کارگر و بشریت، بربریت سرمایه‌داری را با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند. هیچ دوره‌ای از تاریخ سرمایه‌داری، استثمار کارگر و سهم کمتر او از حاصل نیروی کارش به این شدت نبوده است. انقلاب تکنولوژیک، نه تنها بر مقهوریت اقتصادی کارگر افزوده، بلکه اشکال جدیدی برای حفظ اقتدار بورژوازی فراهم کرده است. تکنولوژی و هوش مصنوعی به اسارت بیشتر میلیاردها انسان و تشدید فقر، بیکاری و تبعیض انجامیده است.

رقابت مخرب اقتصادی، سیاسی و نظامی میان قطب‌های بزرگ سرمایه‌داری، رشد راست افراطی و خطر فاشیسم، جهان را به سمت آینده‌ای پر از بحران و تخاصمات سوق می‌دهد. در خاورمیانه، پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، تروریسم و جنگ در فلسطین و نسل‌کشی فاشیستی دولت اسرائیل در غزه، نماد توحش عصر حاضر شده است. آمریکا و اسرائیل، از حمله‌ی تروریستی حماس به عنوان بهانه‌ای برای اجرای طرح‌های از پیش تعیین‌شده‌ی خود برای خاورمیانه "نوین" و تماماً ضد انسانی استفاده خواهند کرد.

امروز، پایان دادن به این وضعیت به حضور آگاهانه و سازمان‌یافته جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر گره خورده است. تنها راه‌حل، انقلاب کارگری برای درهم‌کوبیدن نظم سرمایه‌داری و بربریت آن است. هیچ راه سومی وجود ندارد. آلترناتیو، سوسیالیسم کارگری است. راهکارهای چپ بورژوازی و رفرمیست ناکام و شکست‌خورده‌اند. سوسیالیسم کارگری با اتکا به توان و ظرفیت فعلی طبقه کارگر و ستم‌دیدگان و با فائق آمدن بر محدودیتهای خود، می‌تواند ورق را برگرداند و اختیار را به انسان بازگرداند.

طبقه کارگر ایران در شرایطی ویژه به استقبال اول مه می‌رود. جامعه ایران در آستانه‌ی تحولات سرنوشت‌ساز قرار دارد. جمهوری اسلامی در بحران‌های پیچیده‌ای غوطه‌ور است و آینده‌ای ندارد. در یک دهه‌ی اخیر، خشم مردم در اعتراضاتی چون دی ۹۶، آبان ۹۸، خیزش انقلابی ۱۴۰۱، و اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای برای سرنگونی رژیم اسلامی خود را نشان داد. در همین دوره با وجود تناسب قوای نامساعد، اعتصابات کارگری و اعتراضات اجتماعی مهم ادامه داشته‌است.

اکنون امید به طبقه کارگر ایران به عنوان نیروی رهبر تحولات اجتماعی بیش از همیشه است. جنبش کارگری می‌تواند پرچم آزادی، برابری و رهایی جامعه را به دست گیرد. کیفرخواست کارگران علیه نظم سرمایه‌داری را نمایندگی کند. علیه "دستمزد" چند بار زیر خط فقر و برای دستمزد مکفی و رفاه همگانی، صفوف اردوی کار را متحد سازد. در اجتماعات و بیانیه‌ها بر آزادی فوری زندانیان سیاسی، علیه اعدام و بر پایان سرکوب، و مقابله با تحریم‌ها و فضای جنگی و تهدیدهای امپریالیستی، علیه تداوم نسل‌کشی مردم فلسطین به دست فاشیسم حاکم بر اسرائیل تأکید کند.

در اول مه اعلام کنیم: اگر سکان جامعه به دست ما کارگران باشد، با ثروتی که خود تولید کرده‌ایم، آزادی، برابری و رفاه را برای همه شهروندان فراهم می‌کنیم. اگر قدرت به دست ما باشد، دنیای بهتر و زندگی بهتری را ایجاد می‌کنیم. با پایان دادن به هزینه‌کردن سرمایه برای دولت‌ها، ارتش‌ها، دستگاه سرکوب و نهادهای امنیتی، مذهبی می‌توانیم فقر، گرسنگی، بیکاری و بیماری را ریشه‌کن کنیم. ما می‌توانیم جامعه‌ای مرفه و زندگی‌ای شایسته انسان برای همگان بسازیم.

زنده باد اول مه!

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد آزادی، برابری حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۸ فروردین ۱۴۰۴ - ۱۷ آوریل ۲۰۲۵



زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

بورژوازی در عزای پاپ فرانسیس

سیاوش دانشور



پاپ

و سران دولتها دارد و نه بر قدرت و اتیکان و دستگاه‌های مذاهب محدودیتی اعمال کرده است. پاپ فرانسیس این خدای خود گمارده صنعت دین هم م‌رَد. از ترامپ تا دولت اسرائیل و جمهوری اسلامی، از زلنسکی و سران دولتهای فخریه دمکراسی در اروپا، از سکت‌های مذهبی تا سیاستمداران مذهب زده ایران در اپوزیسیون، جملگی در سوگ نشسته‌اند. عزاداری بورژوازی برای این نماد ارتجاع و قدرت مافوق مردم، بیان ماهیت مشترک همه آنها و خصلت‌نمای جایگاه صنعت دین برای این طبقه در حکومت و در اپوزیسیون است.

اینروزها دل انسان برای کموناردهای قهرمان پاریس تنگ میشود که در مدت کوتاه دو ماهه قدرت و جنگ با بورژوازی، کلیسا و صنعت دین و نمادهایش را بیزیر کشیدند تا کارگران پرچمدار "دود کردن و به هوا فرستادن هرآنچه که کهنه است" باشند. جهان امروز به انقلاب کمونیستی و دولت نوع کمون نیاز دارد!

۲۳ آوریل ۲۰۲۵

یکبار دیگر خدا مرد!

در حاشیه درگذشت پاپ

سیاوش دانشور

پاپ ژان پل دوم دیشب در سن ۸۴ سالگی درگذشت. کاردینالها و البیت مذهبی که در زنجیره مخوف و مخفی کلیسای کاتولیک برای مسیحیان جهان "رهبر" انتخاب میکنند، او را "جانشین پطرس قدیس و نماینده مسیح بر زمین" نامیده‌اند. انصافاً باید این یکی را پذیرفت. چه کسی بهتر از پاپ و ریگان و بوش برای نمایندگی مسیح؟ چه کسی بهتر از خمینی و بن لادن و ملا عمر برای نمایندگی محمد؟ چه کسی بهتر از خامنه‌ای یهودی و دولت اسرائیل برای نمایندگی موسی؟ و چه کسی بهتر از دکانداران مختلف مذاهب و سکت‌های بیشمار امروز برای نمایندگی خدا؟ خدا موجودی است که در هزاران سال گذشته بارها مُرده است و زنده شده است! خدا هر روز توسط جنس دویا ساخته و پرداخته میشود و هر روز بدست حریفی دیگر که کلاشی بهتر بلد است میمیرد! باید این یکی را بپذیریم چون مذاهب و پرچمداران جملگی زمینی‌اند و ساخته دست انسان زمینی. انسان ناتوان از درک شرایط مادی خویش همیشه در پی پرستش و ستایش مخلوقی در ورای خویش است. انسانی که قادر نیست راهی برای تحقق آرمانهای بشری و زمینی‌اش پیدا کند، بناچار و ناگزیر، آن را در دنیای بعد از مرگ جستجو میکند. انسان بدون آرمان، انسانی مُرده است و مذهب مُخدری برای سرپا نگهداشتن آزمایشگاهی این مُرده است. مذهب راهی برای زنده نگهداشتن بشریتی است که از آرمانخواهی و حرکت جمعی و فردی برای تغییر وضعیت موجود تهی شده است.

اما در تاریخ تاکنونی و در دنیای واقعی همیشه مذاهب چهره‌ای زمینی داشته‌اند. برخلاف تصویر قلابی "آسمانی و آن جهانی" مذاهب، و از آنجا که دقیقاً کاربردهای زمینی و این جهانی است، سَمبَلها و نمایندگانشان نیز بشدت زمینی‌اند: از محمد و عیسی

پاپ فرانسیس با نام اصلی "خورخه ماریو برگولیو" روز ۲۱ آوریل ۲۰۲۵ درگذشت. وی از سال ۲۰۱۳ تا زمان مرگ رئیس تجارتخانه کلیسای کاتولیک و رئیس دولت واتیکان بود. پاپ فرانسیس جانشین پاپ بندیکت شانزدهم شد. استعفای پاپ بندیکت در ۲۸ فوریه ۲۰۱۳، بدنیاال اسکندال‌های کلیسای کاتولیک، راه را برای انتخاب وی فراهم کرد. پاپ بندیکت نیز جای ژان پل دوم را گرفت. پاپ بندیکت در جوانی عضو سازمان جوانان هیتلری بود و با فاشیستها و سران اولترا راست دولتها حشر و نشر داشت. این "مظهرهای مسیح" که از هر دولتی آزاد بودند و خود دولت تعیین میکردند، هیچوقت درباره پرونده‌های جنایت دستگاه مسیحیت اقدامی نکردند و حقایق را آگاهانه و عامدانه پنهان کردند. آنچه تاکنون از اسکندال‌های پدوفیلی "پدران روحانی" در آمریکا و کشورهای اروپا افشا شده است تنها مثنی از خروار است. برای این دستگاه مخوف که قدرتهای دنیا در مقابل آن سُجده میکنند، هیچ قانون جوامع امروز اعتبار ندارد. دمکراسی و عدالت بورژوائی، از آنجا که به صنعت مذهب نیاز دارد و آنرا به یک رکن حاکمیت سرمایه‌داری تبدیل کرده است، حتی اجازه سرک کشیدن به دهلیزهای تاریک واتیکان را ندارد. کسی نمیداند همین الان و با هر دم و بازدم ما چه جناباتی توسط این فرزندان مسیح صورت میگیرد، چه تعداد را زیر فشار به سکوت وادار کرده‌اند و به چند سازمان فاشیستی پول و خط میدهند.

همینطور تاکنون کسی نشنیده است که هیچ سیاستمدار مهم دول غربی، هیچ رئیس دمکراسی‌های طرفدار "حقوق بشر" این سوال را مطرح کند که چرا این سران دستگاه مسیحیت "فوق بشر"‌اند و "مصونیت آهنین" دارند؟ این "حقوق ویژه" از کجا آمده است و به کدام قدرت و منافع تکیه دارد که عدالت بورژوائی در مقابل آن لال شده است؟ چرا همان برخوردی که با یک مجرم دیگر میشود در مورد دستگاه واتیکان و کاردینال‌ها که دیگر جزو لیگ اول قدرت در جهان شده‌اند، صدق نمیکند؟

پاسخ، البته بسیار روشن است: افشای تمامیت این جنایات و به صندلی محاکمه نشاندن مجرمان و نهادهایی که آنان را حفاظت میکنند، کل دستگاه مسیحیت و تبلیغات بورژوائی را بر باد میدهد. دیگر کاتولیک و پروتستانی از کنار این برجهای قدرت قرون وسطی هم رد نخواهد شد تا چه رسد به اینکه عده‌ای مذهب زده برای دیدن پاپ یا فلان کاردینال غش کنند! دیگر کسی صلیب بر گردنش نخواهد انداخت و اعتبار وارونه مذهب ضربه سهمگینی خواهد خورد. اما دنیای سرمایه‌داری به صنعت دین نیاز دارد. همانطور که سرمایه به استثمار زنده است، همانطور که به مردسالاری و تبعیض و نابرابری نیاز دارد. تجارتخانه و دستگاه مافیائی مذهب جزو لایتجزای ارتجاع بین‌المللی سرمایه‌داری است که در هر گوشه جهان با پرچمهای مختلف خادم نظم کنونی است. مصونیت این قیصرها و تزارهای مذهبی از مصونیت سوپر میلیاردرها و تریلیونرهای عصر جدید بیشتر نباشد، کمتر نیست.

یادداشت زیر ۲۰ سال پیش بمناسبت مرگ پاپ ژان پل دوم و جانشینی پاپ بندیکت نوشته شده است. اسکندال قدیمی و همیشگی دستگاه مسیحیت ادامه دارد و آمد و رفت پاپ‌ها نه تأثیری در تمجید بورژوازی

بورژوازی در عزای پاپ فرانسیس

سیاوش دانشور

و موسی تا پاپ و خامنه ای و بن لادن و طالبان، از طیف وسیع احزاب سوسیال مسیحی در اروپا که زمانی با خونسردی "الهی و ناسوتی" کشتار میلیونی رواندا را توسط همکیشانان نظاره میکردند، تا مافیای یهودیت و دکان سه نبش بودیسم و صدها سکت دیگر، جملگی قرار است درد این جهانی انسان امروز را به امید "جهانی بهتر بعد از مرگ" تسکین دهند. امروز بمیرید و مثل حیوان زندگی کنید تا فردا زندگی در رکاب فرشتگان را تجربه کنید!

تاریخ مذاهب تاریخ خون و جنایت است. تاریخ کشتار و تجاوز دسته جمعی و تاریخ سببیت و ترور است. مذاهب با هم نقاط افتراق زیادی داشته‌اند و برسر این نقاط افتراق کشتارهای متعددی را سازمان داده‌اند. اما وجه اشتراک مذاهب در طول تاریخ محفوظ مانده است. مذهب ابزاری بوده است برای تحمیل مردم، مذهب دستگاهی بوده است برای ساکت نگهداشتن انسان معترض، مذهب دستگاه خونریزی خدا روی زمین و حامی و شریک قدرتهای سرکوبگری بوده است که تا هزاران سال مشروعتشان را نه از مردم که از قدرتی مافوق مردم یعنی خدا و نمایندگانش بر روی زمین گرفته‌اند. امروز و در تاریخ معاصر هم همین است. دستگاه مذهب امروز یک صنعت با سرمایه‌های نجومی است. حامی پروپاقرص سرمایه‌داری است. ضد کمونیست و ضد پیشرفت است. ضد زن و ضد کودک و ضد حقوق ابتدائی مردم است. نهاد مشتبی مفتخور و بیکاره است که از مالیات شهروندان تغذیه میکند و امرش ساکت نگهداشتن همان مردمی است که خیلی اوقات مسیر سیاسی‌شان را گم میکنند. مذهب کثیف‌ترین پدیده تاریخ بشر است. مذهب تنها میراث تاریخی دوره جهالت بشر امروز نیست، جز لاینفک طوق بردگی سرمایه است. مذهب، امروز چه مستقیم مانند اسلام سیاسی و دولت مذهبی اسرائیل و چه غیر مستقیم مانند نفوذ قوانین مسیحیت در دولت و نهاد اداری و آموزشی دولتهای غربی، نیروی و فراکسیونی از سرمایه جهانی و نهادهای از جنس مافیا و سازمانهای جاسوسی و آدمکشی حرفه‌ای است. مذهب یک ابزار مهم تبلیغات و سیاستهای ضد کمونیستی است. نزدیکی پاپ به چهره‌هایی مانند ریگان و بوش و فاشیسم جدید ایتالیا و دخالت مستقیم در امور سیاسی امروز آگاهی عمومی است.

کارنامه کلیسای کاتولیک و اسکاندال قدیمی پدوفیلی و تجاوز "قدیسین" به کودکان که اخیراً پرونده هزاران نفره آن برملا شد، تنها یک وجه از تصویر "ناسوتی و آسمانی" این نمایندگان مسیح است. مذهب قائم بذات ضد کودک، ضد زن، ضد پیشرفت و تمدن، ضد آزادی، ضد نقد و انتقاد به جوانب سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اخلاقی نظم موجود است. پاپ تنها یکی از فرزندان و رهبران این دستگاه کثیف و این مافیای بین‌المللی است. نه مرگ پاپ، نه مرگ خمینی و بن لادن و دیگران، سرسوزنی از این دستگاه جنایت و سببیت کم نمیکند. خدا و مذهب را کسانی میتوانند از زندگی اجتماعی جaro کنند که خود خالق آن بوده‌اند. این کار انسان پیشرو، کاراته نیست‌ها، کار ماتریالیست‌ها و مهمتر کار جنبش کمونیستی طبقه کارگر است. مسیحیت امروز همان مذهبی است که زمانی انسان معتقد به علم و دانش را زنده زنده میسوزاند و با گیوتین گردن میزند. عملکرد امروز مذهب هم کمابیش همان است. در اروپا گیوتین‌ها را غلاف کردند و احزاب مسیحی تمرین دموکراسی میکند. اما کیس رواندا در مورد "مسیحیت دموکرات شده" امروز نمونه گویائی است. اسلام را همه میبینند که در خاورمیانه و اقصی نقاط جهان مشغول ترور و جنایت

است. فلسطین و کشتار جمعی توسط دولت اسرائیل و پاکسازی قومی با حمایت دموکراسی جهان آمریکا هم جلو چشم همگان است. در اروپا و آمریکای امروز نیز مذهب یک امپراطوری قوام یافته و یک قدرت اقتصادی و سیاسی است.

و بالاخره لازم است که سوگواری واتیکان و دولتهای غربی و پیام تسلیت جناب خاتمی و سردمداران دولتهای سرمایه داری را به مناسبت درگذشت پاپ ژان پل دوم نگاهی بیاندازید و مثلاً مقایسه کنید با دوره رنسانس ایتالیا و عصر روشنگری در فرانسه و حتی ابتدای مشروطیت در ایران و رگه ضد مذهبی و سکولار در آندوران. مقایسه دوره‌ها و شخصیت‌ها و روندها حاکی از آنست که جهان تماماً عقب رفته است، چه در سطح ارزشها و نقد به وضع موجود و هر آنچه که کهنه است و چه در سطح دولتها و نیروهای مدعی تغییر وضع موجود.

پاپ مُرد، خدا یکبار دیگر مُرد، اما کارخانه تولید خدا و پاپ و امام و امامچه‌ها و مفتی‌های اعظم و غیر اعظم زنده است و هر روز بازتولید میشوند. ضرورت گل این بساط تحقیر شعور بشر امروز سود سرمایه و مناسبات سرمایه داری است. انقلاب در ایران میتواند نه فقط رنسانس ایتالیا و روشنگری فرانسه را احیا کند بلکه مذهب زدائی در ایران و منطقه و به این اعتبار چرخش سیمای جهان مذهبی امروز را موجب شود. وجود مذهب و مسئله خود بیگانگی انسان امروز ریشه در مناسبات اقتصادی و وضع موجود دارد.

مرگ پاپ و سرمونی‌های مسخره امروز یکبار دیگر نه فقط نیاز میرم به عروج مولیرها و ولترها و روسوها بلکه مُبرمیت مارکس و پرچم تغییر جهان را تاکید میکند!

۳ آوریل ۲۰۰۵

آزادی، برابری، رفاه

آزیک دنیای بهتر

تصویر همه از یک زندگی مطلوب و یک دنیای ایده آل بیشک یکی نیست. اما با اینهمه مقولات و مفاهیم معینی در طول تاریخ چند هزار ساله جامعه بشری دائماً بعنوان شاخص‌های سعادت انسان و تعالی جامعه به طرق مختلف برجسته و تکرار شده‌اند، تا حدی که دیگر بعنوان مفاهیمی مقدس در فرهنگ سیاسی توده مردم در سراسر جهان جای گرفته‌اند. آزادی، برابری، عدالت و رفاه در صدر این شاخص‌ها قرار دارند.

راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شماره‌ها تماس بگیرید.



صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲
پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰
رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹
ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

www.hekmatist.org

حزب کمونیست ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist



اسلامی در بحران جدید با آمریکا بر سر دو راهی سازش و تغییرات اساسی در سیاست خارجی و داخلی و جنگ، گیر کرده است که گزینه سازش به لحاظ موقعیت اقتصادی، سیاسی هر دو طرف محتمل تر به نظر می‌رسد.

به جز فضای جنگی و سرکوب دانش آموزان از طریق دست اندازی و پروژه پادگان سازی مدارس مشکلات معیشتی امکان زیست معلمان و عموم طبقه کارگر و زحمتکشان و جامعه را غیر ممکن ساخته است.

مسئله دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر فلاکتی است که توان زیست برای طبقه کارگر و هر مزدگیری را غیر ممکن کرده است. معلمان بخشی از طبقه کارگر هستند که در سال‌های اخیر که کمترین سهمی از سرمایه جامعه در برابر زحمات شبانه روزه خود داشته است و در برابر خواست‌های معیشتی چیزی جز زندان، شکنجه، توبیخ و تبعید حاصلش نشده اما کماکان به مبارزات طبقاتی خود ادامه می‌دهد.

دستمزد متوسط معلمان بین ۱۲ الی ۱۵ میلیون تومان است و این دستمزد مربوط به معلمان و فرهنگیان استخدام رسمی آموزش و پرورش است. این در حالی است که حکومت اسلامی در جهت کنترل و نظارت بیشتر بر معلمان به استخدام پیمانی معلمان روی آورده است، در این قرارداد معلمان سالیانه برای تمدید استخدام باید با کارگزینی روبرو شده، ضمن تحقیق مجدد امنیتی-ایدئولوژیک با حقوق پایه حداقل روبرو میشوند. تعداد زیادی از معلمان با وجود داشتن توان و قابلیت‌های بالا بعنوان حق ابتدایی استخدام میشوند، از بیمه و امنیت شغلی حداقلی نیز بهره مند نیستند، در بهترین وضعیت شاید مورد لطف قرار گرفته و به قرارداد پیمانی و رسمی ارتقا پیدا کنند تا حقوق چند برابر زیر خط فقر سایر معلمان را تجربه کنند.

در سال‌های گذشته بخش عظیمی از معلمان به خصوص فعالین فرهنگی معترض به وضعیت چند برابر زیر خط فقر معیشتی خود علی رغم بازداشت و زندان از حقوق حداقل پایه تعیین شده خود نیز محروم شده اند.

مبارزات معلمان در سال‌های گذشته بخصوص از نیمه دوم دهه ۹۰ تاکنون با خواست‌های محوری معیشتی، آموزش رایگان، علیه حجاب اسلامی، علیه پولیسازی و آموزش ایدئولوژیک و در همبستگی با جنبش‌های طبقه کارگر و جامعه خواهان سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی بوده اند.

صفحه ۱۳



لزوم همبستگی معلمان با طبقه کارگر در روز جهانی کارگر!

فاطمه عسکری

در آستانه روز جهانی کارگر، روز رزم طبقه کارگر، زحمتکشان و مزدبگیران جامعه علیه سیستم سرمایه داری هستیم، روزی که با مختصات ویژه ایران، دارای اهمیت صدچندان برای جامعه است. در آستانه روز جهانی کارگر شاهد تحولات و معضلات عدیده اجتماعی، سیاسی و طبقاتی هستیم.

این روزها شاهد امضای تفاهمنامه بین علی رضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش و احمد رضا رادان فرمانده جنایتکار کل نیروی انتظامی (فراجا) برای حضور پلیس در مدارس هستیم.

این تفاهمنامه تحت عنوان «پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی» و «ارتقای فرهنگ حجاب» به امضا رسیده است. تفاهمنامه ای که با احمد رضا رادان چهره جنایتکار نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی که بدلیل دخالت مستقیم در سرکوب خیزش‌های سال‌های گذشته، تحت پیگرد بین المللی قرار دارد، یکی از اقدامات سرکوبگرانه و جنایتکارانه معلمان، دانش آموزان و اولیای دانش آموزان است.

مدارس در سال‌های اخیر به یکی از سنگرهای مبارزاتی در سطح سراسری بدل شده و بخصوص در خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ شاهد قد علم کردن دانش آموزان بخصوص دانش آموزان دختر در برابر آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی بودیم.

حضور پلیس در مدارس چند هدف عمده را دنبال میکند؛ نظارت و کنترل جو سیاسی و پتانسیل هرگونه اقدام برای تحصن و هر شکلی از اعتراض از سوی معلمان و همچنین نظارت و دخالت بر پوشش دانش آموزان مانند حجاب اسلامی، تحمیل ایدئولوژی شکست خورده اسلامی از طریق نیروهای قهریه و زیر ضرب بردن فضای آموزشی کشور.

جمهوری اسلامی که نتوانسته است در سال‌های اخیر حجاب اسلامی را بر جامعه تحمیل کند و در خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ شاهد به آتش کشیده شدن حجاب این یوغ بردگی زنان از سوی دانش آموزان، معلمان، دانشجویان و زنان مبارز در سراسر کشور بودیم و عملاً با به زباله دان انداخته شدن، واز انجایی که لایحه حجاب و عفاف با مخالفت و مبارزات روزانه زنان و دختران مواجه شده است، این بار تصمیم به سرکوب مبارزات معلمان و دانش آموزان علیه حجاب اسلامی از طریق ورود نیروی سرکوبگر پلیس به مدارس شده است.

بجز وضعیت فلاکت‌بار امنیتی در مدارس، شاهد شکست و بحران سیاسی جمهوری اسلامی هستیم. پس از شکست‌های متداول محور مقاومت در منطقه در یکسال گذشته تبلیغات و تنش و تقابل نظامی بین آمریکا و جمهوری اسلامی بالا گرفت و دست آخر جمهوری اسلامی ناچار شد به پای میز مذاکره برای سازش با غرب بنشیند.

در شرایط کنونی برای جمهوری اسلامی دو گزینه وجود دارد، توافق با آمریکا و سازش با حکومتی که سالیان است آن را دشمن نامیده اما بارها پشت درهای بسته و مخفیانه مذاکره و معامله کرده اند، اینک بصورت علنی به سمت مذاکره و سازش با آن روی آورده اند. گزینه دیگر عدم توافق و تقابل نظامی است، اما این گزینه نه به نفع جمهوری اسلامی است و نه حکومت آمریکا خواهان چنین هزینه ای است. جمهوری

خواست نهایی ما سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی سرمایه داری هاراسلامی است، تا محقق شدن این خواست برحق لزوم تداوم بر مبارزات هدفمند با مطرح کردن خواسته های مبارزاتی و طبقاتی است.

زنده باد اول مه، روز جهانی کارگر

24 آوریل 2025



لزوم همبستگی معلمان با طبقه کارگر در روز جهانی کارگر!

فاطمه عسکری

در آستانه ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر معلمان بعنوان بخشی از طبقه کارگر و قشر زحمتکش جامعه باید علیه چند محور اصلی در برابر حکومت هاراسلامی اعلام موضع جدی کنند و در صورت امکان دست به تجمع زنند و این روز رزم طبقه کارگر را گرامی دارند. در روز جهانی کارگر معلمان، فرهنگیان و اولیای دانش آموزان باید علیه پادگان سازی مدارس به صورت جدی دست به اعتراض به هر شکل ممکن زنند، باید دست دراز شده نیروهای سرکوبگر به مدارس را شکست.

اقدام مهم و ویژه دیگر در این روز ایستادن مقابل جنگ و جنگ افروزی همراه با اعتراض علیه حکومتی اسلامی که عامل بروز چنین بحرانی شده است. در این موضع گیری ها می توان شعار پیشرو بازنشستگان را در دستور قرار داد که فریاد میزنند؛ «نه جنگ میخوایم نه کشتار، رفاه میخوایم پایدار. محور بسیار اساسی دیگر اعتراض علیه دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و خواست دستمزد و حقوق مکفی متناسب با یک زندگی عادلانه است.

خواست آزادی معلمان زندانی، زندانیان سیاسی و لغو فوری احکام اعدام از خواست های برجسته ای است که در روز جهانی کارگر از سوی معلمان و فرهنگیان مطرح شود.

اول مه سرخ شهر زیگن

علیه ریاضت اقتصادی
علیه میلیتاریسم و جنگ افروزی
علیه نژادپرستی و پناهجوستیزی
در حمایت از مبارزات طبقه کارگر در ایران

ROTER
1. MAI

نقطه آغاز (رژه)
SIEGEN JOB CENTER
(EMILIENSTRASSE)
01.05.2025, 12:30 Uhr

محل برگزاری
KORNMAKT, SIEGEN
01.05.2025, 13:00 Uhr

KONTAKT: 017630749272

به فراخوان:
تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، واحد زیگن

مسیر اول مه سرخ شهر زیگن



زنده باد اول مه!

آفق طبقه کارگر ملی نیست، مذهبی نیست، جنسیتی نیست، استقلال طلب و خودمختاری طلب نیست، منفعت صنف خاصی را دنبال نمیکند، دین ویژه ای نمی آورد و در پی احیای سنت های عتیق و باستانی بشر نیست. کارگران میخواهند مبنای نظم مبتنی بر تبعیض و نابرابری، نظم مبتنی بر استثمار کار مژدی و مالکیت خصوصی را تغییر دهند.

اول مه پرچم طبقه کارگر رادیکالی است که تغییر این جهان وارونه و نظم سرمایه داری را امر فوری خود میدانند. اگر جنبشها و طبقات دیگر آزادی قسمتی و حقوق ویژه ای را نهایت اهداف خود قرار داده اند، طبقه کارگر در عین طرح خواستهای بلاواسطه اش که در چهارچوب رفاه همگانی قرار دارد، پرچم آزادی انسان از سلطه و انقیاد سیاسی و اقتصادی سرمایه داری و مناسبات بردگی مدرن مژدی را برافراشته است.

این یعنی کارگر برای آزادی ناچار است همه را آزاد کند و در اسارت نگهداشتن بخشی از جامعه منفعتی ندارد. این یعنی طبقه کارگر آزاد نمیشود مگر اینکه کل جامعه را آزاد کند.

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۰۲۵ آوریل

www.hkmatist.org



تحمل حجاب و سرکوب معلمان و دانش آموزان معترض و پادگانی کردن فضای مدارس عقد میشود.

علاوه بر بحران سیاسی، فقر و فلاکت در جامعه ادامه دارد و دولت پزشکبان همانند دولت های مفت خور دیگر جمهوری اسلامی دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر را بر کارگران و مزدبگیران تحمیل کرده است. دستمزدی که توسط نهادهای دشمن طبقه کارگر متشکل از شورای عالی کار و کارفرمایان و وزرای کار دولت، از بالا بدون دخالت نماینده واقعی کارگران بر طبقه کارگر همه ساله تحمیل میشود.

در بستر چنین شرایطی، شاهد تداوم فشار بر فعالین دانشجویی بازداشت فعالین و تداوم زندان دانشجویان در بند و محرومیت از تحصیل و نداشتن امنیت جانی دانشجویان در دانشگاه و خارج از محوطه دانشگاه توسط زورگیران، حاصل سیاستهای دولت سرمایه داری یعنی حکومت اسلامی هستیم.

دانشجویان دختر کماکان در حال مبارزه علیه حجاب اسلامی، آپارتاید جنسی، حجاب بان ها و حراست و بسیج دانشجویی هستند.

روز جهانی کارگر برای دانشجویان سوسیالیست فرصتی است تا با اتخاذ اقدامات لازم با توجه به توازن قوای سیاسی، بتوانند ضمن همبستگی با طبقه کارگر خواست های محوری خود را به تناسب موقعیت سیاسی کنونی ابراز کنند.

خواست های مهم برای دانشجویان سوسیالیست عبارتند از؛

- نه جنگ طلبی و میلیتاریسم
- دستمزد مکفی برای طبقه کارگر
- لغو پولسازی و تجاری سازی آموزش
- لغو قوانین آپارتاید جنسی و حجاب در دانشگاه و جامعه
- لغو احکام اعدام و آزادی زندانیان سیاسی
- حق آزادی تشکل و فعالیت سیاسی در دانشگاه

فراخوان ما به دانشجویان چپ و سوسیالیست اعلام همبستگی با طبقه کارگر و علم کردن خواست های مهم سیاسی و طبقاتی منطبق با شرایط کنونی در جامعه در برابر حکومت سرمایه داری هار اسلامی است.



24 آوریل 2025

لزوم اعلام حضور دانشجویان در روز جهانی کارگر!

امیر عسگری

روز جهانی کارگر روز گرامیداشت مبارزات طبقه کارگر در جهت رهایی از سرمایه داری، روزیست که لازم است دانشجویان همراه با سایر افشار زحمتکش و مزدبگیر جامعه حضورگسترده داشته و ضمن دفاع و همبستگی از طبقه کارگر، خواهان خلاصی از مناسبات سرمایه داری و حامی این نظم یعنی جمهوری اسلامی شوند.

در ایران گرایش چپ و کمونیست دانشجویی در دانشگاه همواره جنبشی موثر و آگاهی بخش علیه سیستم سرمایه داری و مناسبات کارمزدی سرمایه دست به اعتراض زده و در حرکت های اجتماعی - سیاسی همانند خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ نقش موثر و محوری داشته است.

با اعلام موجودیت تشکل دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب (دب) در دهه هشتاد دوباره جنبش چپ دانشجویی با شعارهای سوسیالیستی در دانشگاه های تهران و اصفهان و چند مرکز دیگر از سوی فعالین سوسیالیست دانشجویی بعد از دوده سرکوبهای خونین در انقلاب فرهنگی قد علم کردند و جنبشهای اجتماعی را تحت تاثیر خود قرار دادند.

دانشجویان در دهه نود همراستا با خیزش های ۹۶، ۹۷ و ۹۸ در حمایت از کارگران و جامعه در نقشی بیشتر از فعالیت در حوزه دانشگاه ظاهر شدند و ضمن حمایت و همراهی با اعتصابات در هفت تپه و فولاد در جریان اعتراضات سراسری و خیزش های انقلابی خواست های کلان را مطرح کردند و مشخصا پس از آبان و دیماه ۹۸ با ادبیات صریح و انقلابی، خواست سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی از هر دو جناح را با افق سوسیالیستی فریاد زدند. مبارزات دانشجویان با شعارهای عموما چپ در خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ به اوج خود رسید و ضمن نقش ویژه دختران دانشجو در رهبری اعتراضات و حمله به آپارتاید جنسیتی از طریق حجاب سوزان و سردادن شعارهایی همچون؛ «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر»، «سقف و کتاب و گندم، قدرت بدست مردم»، «نه روسری نه تو سری، آزادی و برابری»، «کارگر، دانشجو اتحاد اتحاد» و «مرگ بر جمهوری اسلامی» بعنوان بخشی از رهبری روند انقلابی خیزش در داخل و خارج دانشگاه نقش مهمی ایفا کردند.

اکنون ایران در شرایط ویژه ای به سر میبرد. پس از شکست محور مقاومت و نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری و پس از تغییرات جدی سیاسی در شکل دولت های خاورمیانه مانند سوریه بمثابه آنچه به عنوان نظم نوین خاورمیانه در دهه های پیشین شناخته می شد، پس از درگیری های موشکی بین جمهوری اسلامی و اسرائیل، نوبت به شاخ و شانه کشیدن متقابل دولت آمریکا و جمهوری اسلامی رسید و دست آخر حکومت اسلامی به مذاکره با آمریکا تن داد.

در شرایطی بسر میبریم که جنگ و نسل کشی در غزه ادامه دارد و نیروهای لیبرال و سلطنت طلب و بخشی از دستگاه حاکمه آمریکا بر طبل جنگ میکوبند.

در چنین فضایی است که تفاهم نامه امنیتی بین طاهری وزیر آموزش و پرورش و رادان جنتاکار فرمانده کل (فراجا) برای حضور پلیس جهت

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران – حکمتیست

با گسترش اعتراضات موج اعدامها را متوقف کنیم

جمهوری جنایت پیشه جمهوری اسلامی باردیگریه سرکوب گسترده و اعدامهای وسیع و پشت سر هم اعم از زندانیان سیاسی تا مردم محرومی که بجرائم عادی محکوم شدند، روی آورده است. با خیال واهی به این ترتیب میخواهند با ادامه اعتراضات کارگری و اجتماعی جاری مقابله کنند. جانینان حاکم نمیخواهند به این واقعیت تن دهند، تلافیهای سرکوبگرانه و اعدامهای شنیع مانع سرنگونی جمهوری اسلامی نیست. این رژیم رفتنی است.

در روز اول اردیبهشت حمید حسین نژاد حیدرانلو در خفا و بدون اجازه دیدار نهایی با همسر و سه فرزندش اعدام شد. تاکنون جنازه او را تحویل خانواده اش نداده اند. در یک سال گذشته بالغ بر هزار انسان را اعدام کرده اند. در روزهای گذشته همزمان با مذاکرات و کرنش در مقابل آمریکا شمشیر را در مقابل مردم از رو بسته اند. زندانیان متعددی را به اتهامات بی پایه از جمله در زندان قم، چراغ علی قاسمی، سهراب حیدری و فیض الله کرمی، در بلوچستان سعدالله گرگیج و در زندان دورود جواد گودرزی، در یزد وحید نارویی اهل بلوچستان، در خرم آباد سعید دریکوند و در گرگان احمد باوری اعدام کرده اند. در عین حال شمشیر داموکلس اعدام بر بالای سر دهها نفر دیگر از جمله شریفه محمدی، پخشان عزیزی، وریشه مرادی و بسیاری دیگر آویزان است. رژیم اسلامی هر گاه در تنگنا قرار می گیرد و نگران از گسترش خروش اعتراضات مردم مجدداً به بازداشت و زندان و شکنجه و اعدام پناه می برد.

کارگران، مردم ازادیخواه ایران!

جنبش اعتراضی و قدرتمند ما مردم آزادیخواه و متنفر از جمهوری اسلامی و قوانین و احکام متعفن و ظالمانه اش، میتواند ماشین اعدام و وحشیگری این رژیم را سد کند. تجربه دهها سال حکومت اسلامی این را ثابت کرده است که حاکمین جنایتکار در مقابل دولت آمریکا و دول غربی کرنش می برند و در مقابل مردم ایران دندانها را تیز و ابزارهای سرکوب سبعانه را به دست میگیرند. به علاوه رژیم هار اسلامی تحت نام "مبارزه علیه قاچاقچیان مواد مخدر" قصد اعدام صدها نفر انسان بی دفاع را دارد. جانینان اسلامی با اینکار و تشدید فضای رعب و وحشت همزمان میخواهند از حساسیت جامعه نسبت به این وحشیگری بکاهند و اعدام را به مثابه قتل عمد دولتی توجیه و به امر عادی تبدیل کنند. اما گسترش اعتراضات علیه اعدام در داخل و خارج کشور در درون زندانها و در سه شنبه های اعتراضی مانع بزرگ دستیابی جمهوری اسلامی به چنین اهداف ارتجاعی است.

حزب کمونیست کارگری ایران – حکمتیست کارگران و مردم آزادیخواه و جنبش علیه اعدام در ایران و جهان را به گسترش اعتراضات موثر فرامیخواند. مقابل زندانها تجمع کنید. با هر اعدام سیاست تعرض به حکومتی ها را تشدید کنید. جلادان منتسب به قاضی و شکنجه گران را شناسائی و مجازات کنید. در خارج کشور مقابل سفارتخانه ها و کنسولگریهای حکومت اعدام تجمع کنیم. تعدادی هنوز در اتاق انتظار اعدام اند. اعدام قتل عمد دولتی با هدف ارعاب و سربریزر نگهداشتن جامعه است. حکومت اعدام و اسلام را باید تماماً نابود و سرنگون کرد.

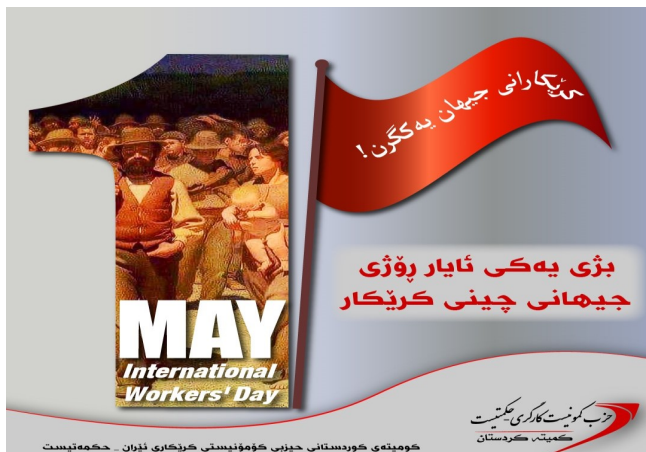
نه به اعدام

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران – حکمتیست

۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ - ۲۳ آوریل ۲۰۲۵





فلسطین میداندار شدند. اقدامات تروریستی آنها با حمایت جمهوری اسلامی نه تنها قدمی در مسیر حل مسئله فلسطین نبوده، بلکه در ضدیت با منافع مردم رنج کشیده فلسطین و عملاً بن بست بیشتری را به حل مسئله فلسطین تحمیل کرده است. قرار بود در غیاب کارکرد افراطیون دو طرف، مسئله فلسطین و تشکیل دولت مستقل فلسطین به فرجام برسد. به دنبال

ترور اسحاق رابین و دست بالا پیداکردن راست افراطی مذهبی - قومی اسرائیل در دوره شارون و سپس نتانیاهو و همزمان میداندار شدن گروههای تروریستی در غزه (حماس و جهاد اسلامی) پروسه اجرایی کردن قرارداد "اسلو" و تشکیل دولت فلسطینی عملاً نقش برآب شد. این وضعیت به بن بست کشنده و طولانی برسر مسئله فلسطین تبدیل شد. در بطن این شرایط نامساعد رویداد هفتم اکتبر ۲۰۲۳ این بن بست را شکست.

فاشیسم حاکم بر اسرائیل و دولت نتانیاهوی متکی به حمایت آمریکا به مثابه غنیمتی حرکت تروریستی هفتم اکتبر حماس- جهاد را قاپیدند. آنها به دنبال بهانه ای بودند، تا نقشه های از قبل طراحی شده ارتش اسرائیل برای پاکسازی قومی و نسل کشی در غزه و علیه مردم فلسطین را اجرا کنند. نتانیاهوی فاشیست به فوریت اعلام کرد، جنگی را آغاز میکنند، که "نقشه خاورمیانه" را تغییر میدهد. واضح است دولت و ارتش اسرائیل علیرغم تجهیزات بالای آنها، اما از چنان جثه و توانایی برخوردار نبوده و نیستند که نقشه خاورمیانه را تغییر دهند. آنچه نتانیاهو مطرح کرد، روی میز گذاشتن دوباره نقشه قدیمی هیئت حاکمه امپریالیستی آمریکاست که "بوش پدر و پسر" به نام "خاورمیانه بزرگ" در دوره ریاست جمهوریشان ادعا میکردند. حمایت بی اما و اگر دولت آمریکا و هم پیمانان ناتوی اش از دولت و ارتش اسرائیل در نسل کشی مردم غزه، تحمیل جنگ و تروریسم چندین ماهه در لبنان و منطقه و علیه حماس و حزب الله و محور مقاومت اسلامی، در عین حال گامی تعیین کننده در راستای شکل دادن به نقشه جنایتکارانه "خاورمیانه نوین" در واقع خاورمیانه خونین برای مردم این منطقه است. در رویارویی بین محور تروریسم دولتی اسرائیل-آمریکا با محور تروریسم اسلامی حماس- حزب الله - جمهوری اسلامی و دیگر نیابتی ها در منطقه واضح است محور مقاومت اسلامی شکست خورد. به وضوح قطب ارتجاعی تروریسم اسرائیل- آمریکا دست بالا پیدا کرده و قصد تکمیل کردن نقشه جنایتکارانه خاورمیانه خونین را نهایتاً با به تمکین کشاندن جمهوری اسلامی و نیابتی های هنوز رام نشده اش در سر دارند. نسل کشی در غزه و تبدیل کردن این منطقه به سرزمین سوخته، نزدیک به پنجاه هزار کشته و بخش عمده ای از میان کودکان و آوارگی دسته جمعی و تباهی کشاندن زندگی دو میلیون انسان و اشغالگری و کشتار جمعی در لبنان به بهانه مقابله با تروریسم حزب الله و دیگر جنایتهای ارتش اسرائیل در منطقه تنها پرده اول خاورمیانه جدید معماری شده توسط امپریالیسم آمریکا و فاشیسم اسرائیل است. اکنون با سرکارآمدن ترامپ فاشیست دولت و ارتش اسرائیل با دست بازتر و با حمایت گسترده تر و محکمتر برای به سرانجام رساندن نقشه خاورمیانه خونین امپریالیستی حرکت میکنند. تهدیدات نفرت انگیز ترامپ راسیست برای بیرون راندن نزدیک به دو میلیون مردم از غزه و تصاحب این منطقه توسط دولت آمریکا پرده تکان دهنده و سوپراارتجاعی دیگر در این زمینه است. واقعیت تلخ اینست، چنانکه بتوانند این نقشه شوم را به سرانجام برسانند، به طور جدی صورت مسئله حق و حقوق مردم فلسطین و تشکیل دولت مستقل فلسطین را در این دوره به حاشیه میرانند و حذف میکنند. نه تنها حاکمیت فلسطینی

اول مه : کارگران و نسل کشی در غزه و

فلسطین

رحمان حسین زاده

هر ساله برجسته کردن اراده اعتراضی کارگران علیه نظم سرمایه و فقر و تبعیض عمیق و فزاینده و ناامنی و جنگ و تباهی بر زندگی میلیاردها انسان کارکن و دردمند سرلوحه ادعانامه کارگران در مناسبت اول مه است. اما در مناسبت جهانی اول مه فراتر از این چهارچوب شناخته شده و عمومی طبقه کارگر جهانی در شرایط مشخص هر سال لازمست بر معضلات دیگری که مقابلهش قرار گرفته توجه جدی نشان دهد و سیاست طبقاتی و آزادیخواهانه خود را اعلام کند. نسل کشی در غزه و فلسطین توسط فاشیسم حاکم بر اسرائیل با همکاری تنگاتنگ هیئت حاکمه امپریالیستی آمریکا و ترامپ در اول مه امسال لازمست با بیشترین محکومیت و اعمال فشار از جانب طبقه کارگر جهانی روبرو شود. شاید گفته شود، طبقه کارگر در هر کشور و از جمله در ایران چنان غرق در مصائب و رنج در محل کار و زندگی خویش است، نمیتواند به مسئله دیرینه فلسطین و تراژدیهای مستمر ۸۰ ساله آنجا بپردازد. در پاسخ باید گفت، علاوه بر بعد همبستگی و همسرنوشتی انسانی، اما تمام مسئله اینست تأثیرات مخرب تروریسم و جنگ و جنایات هشتاد ساله حکومت اسرائیل علیه مردم فلسطین بر زندگی طبقه کارگر و مردم حق طلب در سطح دنیا، به ویژه در خاورمیانه و در ایران بسیار مشهود است. طرح ضد انسانی و سوپراارتجاعی "خاورمیانه نوین" مورد نظر دولتهای اسرائیل و آمریکا از پیامدهای این شرایط است.

جنایات علیه مردم فلسطین یک تراژدی عمیق و مایه ننگ نظم حاکم بر جهان امروز است. اوج گیری تروریسم و جنگ بعد از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ در اسرائیل و فلسطین و به دنبال آن نسل کشی حکومت فاشیستی اسرائیل در غزه نمادی از آشفته گی و توحش در جهان امروز بود. در صد ساله اخیر خاورمیانه همواره یکی از کانونهای بحرانی تشدید استثمار و ستم و اشغالگری و جنگ و کشتار به ویژه علیه مردم فلسطین بوده است. با فروپاشی امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول دو قدرت امپریالیستی پیروز، یعنی بریتانیا و فرانسه با خط کش و گونیا جغرافیای تصنیی را به مردم منطقه تحمیل کردند. چنان زخم عمیقی در پیکر منطقه ایجاد کردند، که تاکنون هم سرمنشأ ستم و محرومیت، بارها جنگ و تروریسم و کشتار و آوارگی و نسل کشی بوده است. با صدور اعلامیه بالفور در دوم نوامبر ۱۹۱۷، از جانب آرثر جیمز بالفور وزیر امور خارجه بریتانیا "درباره نظر مساعد دولت انگلستان نسبت به تشکیل یک کشور یهودی در فلسطین" مجوز راه انداختن جنگ و نزاع قومی بین "یهودی و فلسطینی" صادر شد. سناریو سیاهی که با گسترش اشغالگری و تشکیل دولت اسرائیل در ۱۹۴۸ تکمیل شد. هیئت حاکمه قومی مذهبی اسرائیل موجودیت خود را بر ستمگری و اشغالگری علیه مردم فلسطین بنا کرده است. نسل کشی مردم فلسطین و سرباز زدن از به رسمیت شناسایی حقوق اولیه این مردم در قالب تشکیل دولت مستقل فلسطینی حتی طبق قرارداد "اسلو" منعقد شده در سال ۱۹۹۳ میلادی" بین طرفین، اکنون پلاتفرم عملی دولت فاشیست اسرائیل است. بریستر این کشمکش دیرینه و لاینحل ماندن حقوق حقه مردم فلسطین، در مقابل تروریسم دولتی اسرائیل - آمریکا، تروریسم اسلامی همانند حماس و جهاد در

اول مه : کارگران و نسل کشی در غزه و

فلسطین

رحمان حسین زاده

ها بر غزه بلکه بر کرانه باختری در شکل محدود فعلی نیز زیر سنوا خواهد رفت. در کل منطقه خاورمیانه نیز ناامنی و بی ثباتی و طرحهای سناریوسپاهی و رژیم چنجی را گسترش میدهند. این عاقبت خونین خاورمیانه برای مردم منطقه و تبعات تکان دهنده آن در چهارچوب بربریت کاپیتالیستی دوره معاصر خواهد بود.

طرح ارتجاعی خاورمیانه جدید، مورد نظر آمریکا- اسرائیل با تناقضات و موانع جدی روبرو است، همانطور که در چهارده گذشته همین موانع نگذاشته به سرانجام برسد. پاشنه آشیل نقشه ارتجاعی "خاورمیانه جدید" امپریالیستی در این حقیقت نهفته است تا زمانی که اولاً مسئله فلسطین و مبارزات حق طلبانه این مردم پاسخ کارساز و عادلانه نگردد و ثانیاً فقر شدید و استبداد خشن حکومتهای مرتجع عمدتاً هم پیمان آمریکا و تروریسم دولتی ادامه پیدا کند، این منطقه کماکان بحرانی و طرحهای ارتجاعی به بن بست میرسند. نکته قابل توجه دیگر اینست، شکست و عقب نشینی محور مقاومت اسلامی در فلسطین و منطقه نه تنها شکست مردم نیست، بلکه راه باز میکند جنبش حق طلبانه در فلسطین و در کل منطقه با روشن بینی خود را سازمان دهد، به میدان آید و متکی به پلاتفرم آزادیخواهانه و اراده مردم طرحهای ارتجاعی از جمله طرح خاورمیانه خونین و ضد انسانی آمریکا- اسرائیل را ناکام سازد.

لازم به توضیح زیادی نیست که در اول مه امسال لازمست طبقه کارگر جهانی با صدای رسا و با اقدامات محکم خواستار پایان یافتن نسل کشی کنونی و دیرینه در غزه و فلسطین شود. توحش هیئت حاکمه های اسرائیل و آمریکا در غزه و فلسطین و لبنان و خاورمیانه به شدیدترین شکل محکوم شود. کارگران طرح "خاورمیانه خونین" امپریالیستی فاشیستی را مردود اعلام کنند. بر همسرنوشتی و همبستگی طبقاتی و مبارزاتی طبقه کارگر و مردم تحت ستم خاورمیانه در راستای شکل دادن به خاورمیانه به دور از جنگ و تروریسم دولتی و اسلامی و قومی، خاورمیانه ای که در آن مردم آزادیخواه و برابری طلب خود سرنوشت خود را به دست بگیرند، تأکید شود. میتوان و باید در روزاول مه امسال دولتهای فاشیست اسرائیل و آمریکا متحمل بیشترین فشارها شوند.



بگذار روز جهانی کارگر به روز جهانی محاکمه و رسوایی جانپان حاکم بر اسرائیل و آمریکا و همه متحدان آنها در دنیا تبدیل شود.

آموزش پادگانی نمیخوایم!

روایهای ممنوعه سرکوبگران ورشکسته

سیاوش دانشور

خواننده اید. سرنوشت این طرح ارتجاعی از پیش معلوم است، یکبار دیگر شکست میخورید.

باید توی دهان علیرضا کاظمی وزیر الدنگ و متحجر ضد آموزش و ضد کودک زد. هیچ معلم شریفی نباید در کلاس درس و مدرسه‌ای حضور یابد که قرار است زیر سایه چکمه و باتوم درس دهد. معلمان کشور ضروری است بنا به تعهد شغلی شان متحدانه دست به اعتصاب بزنند و خواهان لغو فوری این تفاهنامه ننگین شوند. خانواده‌ها نباید قبول کنند که کودکانشان در محیط پادگانی و زیر دست اوباش تروریست و آدمکش درس بخوانند و در کنار فرهنگیان دست به اعتراض و اجتماع بزنند. در قلمرو جهانی باید این تعرض به ساحت آموزش و ایجاد ناامنی روانی علیه کودکان را محکوم کرد.

مدرسه پادگان نیست! آموزش پادگانی نمیخوایم! دست خونین پلیس از سر کودکان کوتاه!

۲۱ آوریل ۲۰۲۵

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست

را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۳۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

صفحه آخر

آموزش پادگانی نمیخوایم! روایهای ممنوعه سرکوبگران ورشکسته

سیاوش دانشور



تحلیل حجاب اسلامی به کودکان با زور چماق امتحان میکند. این اوباش تروریست ابتدا با مسموم کردن شیمیایی دانش آموزان در متن اعتراضات ۱۴۰۱ تلاش کردند دانش آموزان انقلابی را ساکت کنند. برای اولین بار در جهان دولتی در مدارس مبادرت به تروریزه کردن محیطهای آموزشی با توسل به انفجار کپسول های شیمیایی کرد اما از پس دانش آموزان برنیامد. حال مجریان همان اقدام را راساً روانه محیطهای آموزشی میکنند تا با پادگانی کردن مدارس به استقبال اعتراضات در جامعه برود.

رادانها و سیاستسازان مغزپوک نظام اسلامی فکر میکنند با چکمه و باتوم و آخوند و روضهخوان میتوانند نسل جدید را از قرن بیست و یکم به عهد عتیق بازگردانند. در نظامی که دچار ورشکستگی ایدئولوژیک شده است، جنبش اسلامی که از هر سو تسلیم و دچار عقب نشینی است، کسانی که برای حفظ نظام منحطشان مشغول سازش با همکیشان جنایتکار هستند، حال میخواهند قدرتشان را به رُخ کودکان و دانش آموزان بکشند. ابتدا کارخانهها را پادگانی کردند، سپس مداحان و روضهخوانهای لمپن و آخوندهای طفیلی را به دانشگاهها بردند و حال واحدهای گشت ارشاد و پلیس آدمکش و ضد کودک را روانه مدارس میکنند. اما کور

جمهوری اسلامی بعد از شکستهای مکرر از زنان با سیاست «سازش در خارج، تشدید سرکوب در داخل» فیل جدیدی هوا کرده است. دو عنصر سرکوبگر و ضد زن، علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش و احمدرضا رادان فرمانده کل انتظامی کشور، تفاهمنامه‌ای را برای حضور رسمی پلیس در مدارس کشور امضا کرده‌اند. قرار است بر اساس این تفاهمنامه برای «پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی» و «ارتقای فرهنگ حجاب»، دستجات سرکوبگر پلیس در مدارس حضور یابند و در روند آموزشی و فرهنگی دخالت کنند!

این اقدام بدنبال دو شکست فجیع صورت میگیرد: اول، شکست و بور شدن سردار رادان قاتل در مواجهه با زنانی که تن به حجاب اسلامی این سمبل بردگی زن در اسلام نمیدهد. دوم، بایگانی شدن طرح ارتجاعی «حجاب و عفاف».

جمهوری اسلامی برای «کار فرهنگی» و ترویج «ارزش‌های اعتقادی»، یعنی آنچه که دود شده و هوا رفته است، یکبار دیگر شانس خود را برای

صفحه ۱۷

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

رحمان حسین زاده

Hosiansade.r@gmail.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.uk

UK

هینت تحریریه نشریه کمونیست:

سیاوش دانشور، ملکه عزتی، سیوان کریمی، پروین کابلی، رحمان حسین زاده، هلاله طاهری، ناصر مرادی

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سر دبیر سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی
کمونیست

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!